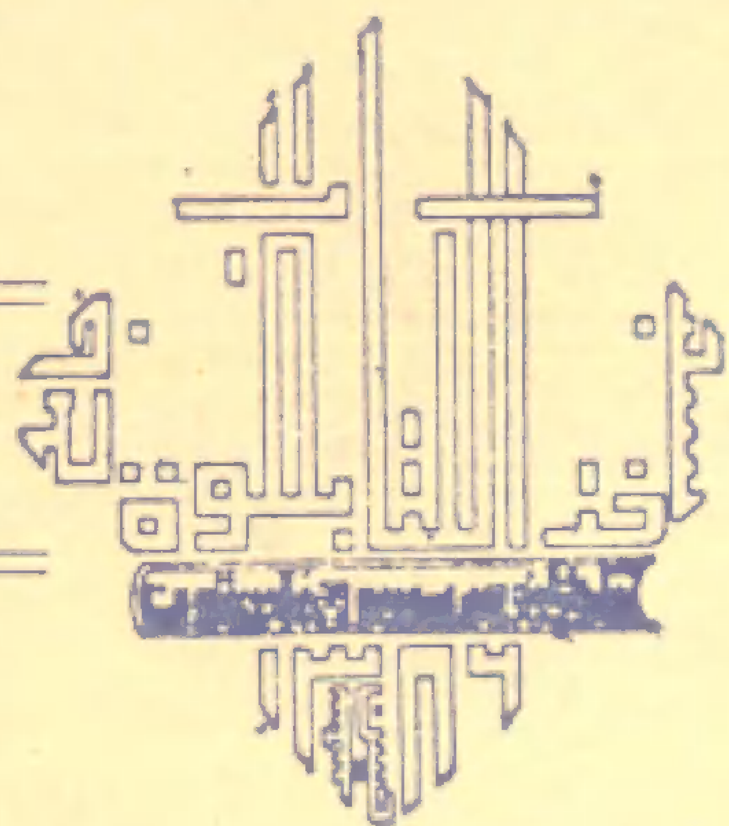
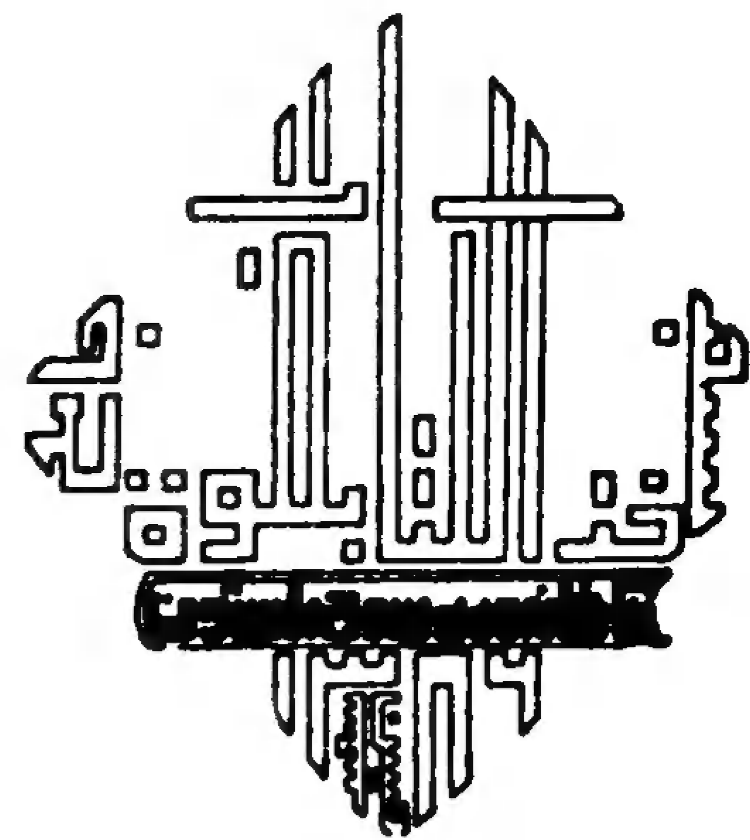


افضل اعیاد امتی الغدیر

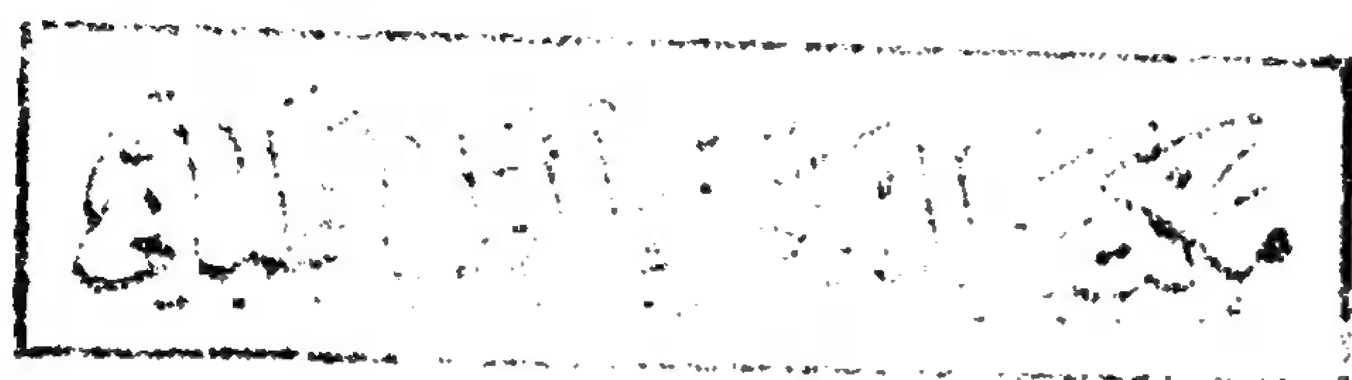
غدیر
پیوند ناگسستنی
رسالت
و
امامت

بمناسبت مهر جان عید سعید غدیر
در هزارمین سال تألیف نهج البلاغه
با عرض تبریک به آموزش دیدگان
مکتب تشیع تقدیم میشود.

نگارش: حسین سعید



افضل اعیاد امتی
الغدیر



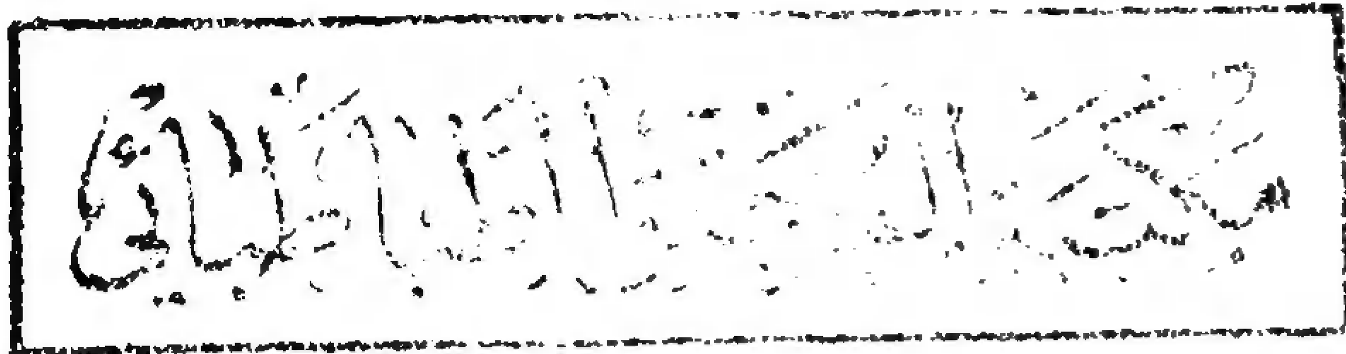
غدیر

پیوند ناگسستنی رسالت و امامت

تقدیم :
حسن سعید

نام کتاب: غدیر
نام مولف: حسن سعید
ناشر: کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع طهران
چاپخانه: پایا کرج
تعداد: ۲۰۰۰
زمان انتشار: عید سعید غدیر هزارمین سال تالیف نهج البلاغه ٦١/٧/١٤

شعر آء الغدير



امیرالمؤمنین و غدیر

محمّدٌ النبيُّ أخي و صنوي (١) ☆ و حمزة سيّد الشهداء عمّي
و جعفر الذي يُضحي و يُمسي ☆ يطير مع الملائكة إبن أُمّي
و بنت محمّد سكني و عرسي ☆ منوطٌ لحمها بدمي و لحمي
و سبطا أحمد ولداي منها ☆ فأيّكمُ له سهمٌ كسهمي
سبقتكمُ إلى الإسلام طرّاً ☆ على ما كان من فهمي و علمي (٢)
فأوجب لي ولايته عليكم ☆ رسول الله يوم غدير خمّ (٣)
فويلٌ ثمَّ ويلٌ ثمَّ ويلٌ ☆ لمن يلقى الإله غداً بظلمي

بزرگترین مسأله حیاتی که رسول اکرم از بعثت تا رحلت بگفته شیعه و سنی دنبال مینموده موضوع خلافت و امامت بوده که صدها کتاب بعربی و فارسی و لغات دیگر در این باره تألیف گردیده است در روز غدیر بدستور پروردگار طبق آیه کریمه بلغ ما انزل الیک فإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس، باتهدید و تضمین خدای متعال برای ادامه حکومت الهی و آشنائی انسانها در طول اعصار با خدا مکتب تشیع را با نیروی شکست ناپذیر افتتاح و بقاء آنرا تا روز قیامت اعلام فرمود و بدنیا بصورت غیرقابل انکاری امامت را تثبیت و مخالفت آنها را خبر داد و علی هم بدنبال رسول اکرم وضع را روشن نمود خدا کند افتخار مرکزیت شیعه برای ملت ایران و باهتزاز درآوردن پرچم تشیع برای حفظ انسانهای آگاه نصیب گردد و دشمنان اسلام نابود شوند.

بسم الله الرحمن الرحیم

یامن یرجی فی الشدائد کلها

یامن الیه المشتکی والمفزع

شب بود عجب شبی نه خواب بسراغ من میآمد نه آرامشی داشتم که مطالعه‌ای کنم گوئی تمام ذرات بدن مرادردو کوفتگی فراگرفته و هر یک با نغمه‌ای جان گداز از ناآرامی خود شکایتی دارند و تاریکی و سکوت جهانی را فراگرفته ولی با تمام سکوت هزاران فریاد غوغا در دل من انقلابی خروشان ایجاد کرده است آه چکنم از گذشته خود شکایت کنم بر حال خود زاری نمایم ازآینده خویش بیم داشته باشم در این لحظات ناگهان نوری جهانتاب در اطاق کوچکی بر دل دردناکی تابیدن گرفت وضع عوض شد تمام منظره جان گداز شهیدان همه تا آرامی بازماندگان بیشتر گرفتاری مردم بی پناه خلاصه وضع عمومی جهان اسلامی که در هر نقطه ستمگران گرگ صفت و استعمارگران خونخوار ببمباران مشغول شده اند فراموش گردید نور چراغ خاموشی را نابود کرد تن بیمار در بستر بنشست بر کتابها نظری افکند کتاب جلوه رسالت و امامت بدستم افتاد بازکردم این بیت آمد:

یا اکرم الحلق مالی من الودیه

سواک عند حلول الحادث العمم

حالی پیدا شد دلی آرام گرفت جانی به تن مرده‌ای دمیده گردید باور کنید مکرر این شعر را میخواندم و با نبی اکرم پیامبر اسلام راز و نیازی داشتم و با خود میگفتم وه چقدر لذت بخش است بیخوابی، ناراحتی و گرفتاری که سرانجامش تسلیم به درخانه رسول اسلام و عرض حاجت به پیشگاه بزرگترین آفریده جهان آفرینش باشد تنها او بانسان عنایت کند و آدمی نسبت بحضرتش دل سپارد و از همه، سوی

البه چشم پوشد او را ببیند و هر چه او میخواهد بخواهد بیماری من سد سبب رحمت معبود، با خود گفتم هم اکنون موقعی است که مقام رسالت باصدو بیست هزار مسلمان در چنین ایامی بسوی خانه خدا بامر خدا روانند با دلی خاشع و اشکی روان و سوز و گدازی که از جان هستی تراوش میکند درحرکت هستند خدامیخواهند خدامیخوانند برای خدا تسبیح وتکبیر گو یان امرخدارا پیروی مینمایندو بجهانی درس خداپرستی ودوری ازهواوآنچه غیرخداست لفظاًومعناًمیدهند و بایکدنیابی پیرایکی همه راازعلائق مادی دورمیسازند تابفضائل اخلاقی و معنوی آشنا شوند و دل آنها مرکز نور الهی گردد و از هرگونه هواپرستی خالی شود تا خطاب رسد لایعی ارضی ولاسمائی بل یسعنی قلب عبدی المؤمن چه میشود اگر من هم در این دل شب با چنین قافله فضیلت آموز اخلاقی که جهانی را بمتابعت از آن خدا دعوت فرمود هم سفر شوم و دل را روانه کوی حضرتش نمایم و از این فرصت استفاده کنم لبیک گو یان اشک ر یزان قلب آزاردیده خود را بقلب عالم امکان اتصال داده و از آن رحمت و اسعهٔ الهی که بجهان آفر ینش ارزانی داشته و بخاصان درگاهش عنایتی مبذول میدارد «گوشه نشین بستر بیماری مجتبی نموده وآتش جنگ خانمانسوز ناراحتیهای مکتب تشیّع راخاتمه داده تا و مسلمانان بتوانند پرچم پرافتخار اهل بیت را در جهان در اهتزار درآورند و ناراحتیهای عمومی را در همه اقشار جمعیت بشری خاتمه بخشند. هنوز آرام نگرفته بودم بیادم آمد که پیامبر اسلام در این سفر الهی آخر ین پیام آسمانی را برای نجات و ادامه مدرسه توحید در اختیار انسانها قرار داده تا در مکتب تشیع این برنامه انسان‌ساز با صورتی خلل ناپذیر بر طبق فطرت روی اساس عقل و منطق برای همیشه مورد استفاده جهان انسانیت قرار گیرد و آنقدر در رساندن این پیام سعی نمودو پرورد گار ر وی آن تکیه کرد که با کمال صراحت در این پیام بنص صر یح قرآن دو مطلب را گوشزد فرمود یکی اینکه اگر این مأمور یت انجام نیابد

رسالت انجام نگرفته و مسئولیتی بس خطرناک بعهده شخص رسول اکرم است و مطلب دو یم که بسیار قابل توجه است اینستکه انجام این مأموریت بسیار دشوار وهزاران هزار، خطر در پیش دارد و جهان بشریت روی طغیان و نافرمانی بجنگ با آن برمیخیزند و همانطور که پیامبر اسلام پیش بینی میکرد و بهمین جهت بسیار بر او گران بود که مطلب را بیان کند و میترسید اگر با صورتی صریح و روشن و آشکار اعلام نماید دشمنانی که حاضر نیستند تسلیم اوامر الهی گردند از دین خدا دست بردارند و یکباره بجنگ با مکتب الهی بپردازند ولی خدا با یک جمله کوتاه حقیقتی را آشکار کرد و دل پیامبر را آنچنان نیرومند ساخت که اگر دنیائی بمبارزه برخیزند باکی نیست چون خدا نگهدار مکتب ومقام رسالت و متمم آن که مقام امامت باشد میباشد «والله یعصمک من الناس» اختصاص برمان و مکانی ندارد و نیروی ضعیف و قوی مطرح نیست هرچه دامنه علم بشری بالا رود و قدرتی مادی به نیروی جهانی بدست آرند و از لحاظ اداره و علوم تجربی پیشرفت کنند و بخواهند از بعدی از ابعاد اسلام بکاهند و با صورتی با دین خدابجنگندو مسلمانان را از صحنه خارج سازند و پیامبر اسلام و جانشینان معصوم او را صریحاً یا تلویحاً بحساب نیاورند خداوندمنان آوازمیدهدوالله یعصمک من الناس پیامبراسلام و هرکس و هرچه با اوست خدا نگه‌دار و حافظ اوست، اگر مسلمان شدیم و پیرو رسول اسلام و در خط ائمه طاهرین دستور الهی را اجراء نموده هیچ نیروئی نخواهد توانست برما هجوم آرد وما راازبین به برد مکتبی است که خداوند تضمین آنرا نموده و تا آخرین دور حیاة بکار خود بصورتهای گوناگون در شرائط مختلف انجام وظیفه مینماید و باکی هم ندارد چون خدا دارد با خود گفتم چه خوبست برای نجات خود و دیگران و جهت پیروزی ملت پرافتخار ایران که مهد محبت اهل‌بیت است و آشنائی جهان اسلامی براه خطا ناپذیر و موفقیت و پیروزی توسل بآستان مقدس نبی اکرم پیدا نموده و خطبه‌ای

را که در عید غدیرخم که بگفته صاحب غاية المرام ۸۸ نفر از بزرگان اهل سنت و چهل و سه نفر از علمای شیعه نقل نموده و علامه امینی از صد و ده نفر از اصحاب و هشتاد و چهار نفر از تابعین و از سیصد و شصت نفر از حفاظ و بزرگان حدیث آن رادرج ۱–۱٤–۱۵۸ یاد نموده و همه اصل خطبه را بصورت مختصر و مفصل با تغییراتی ذکر کرده‌اند ومتن آن که باغاية المرام مطابق است بصورت رسائی بامدارک طبع گردیده وترجمه آن دراختیارنسل جوان ومردمی که دردنیای روز بتحقیق و بررسی اساسی پرداخته اند تقدیم دارم وامیدوارم مسلمانان بو یژه شیعه که حافظ مکتب توحید هستند و پاسداران حکومت الهی میباشند در این روز همانطور که پیشوایان و بزرگان گذشته ما بدستور امام صادق(ع) و ائمه طاهرین با عبادت و ریاضت و اطعام و انعام بیکران با چهره‌ای نورانی و اشکی که از شوق بر صورت زیبای آنها جریان داشت برای طلب رحمت و گشایش و رفع هرگونه تجاوزی وبدست آوردن بر مطلبی با مدد از رسول اسلام و جانشینان معصومش بدعا و توسل پرداختند ما هم در چنین دوره‌ای که سنگ فتنه و آشوب از داخل و خارج بر ملت بپا خاسته شیعه فرومیریزد و جوامع اسلامی را مورد تهدید و آزار و شکنجه و قتل و غارت قرار داده با دلی مملو از عشق و علاقه باهل بیت همه او را بدعاء و زیارت و توسل پرداخته و پس از نماز به پیشگاه رب العزه عرضه داریم ربنا اننا سمعنا منادیاً ینادی للایمان آن امنُوا بربکم فامنا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفرعنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا وآتناما ماوعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمه انک لا تحلف المیعاد.

پروردگارا مدد فرما که با تنی خسته و روحی افسرده بتوانم سخنان دربارآموزنده رسول اسلام رابازبانی ساده و بیانی که برای پاداشی درخور عظمت مقام والای پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین مینمایم.

داستان غدیر در اسلام

سال دهم هجرت روز ۲۵ ذیقعده پیامبر اکرم برای اوّلین و آخرین بار پس از هجرت از مدینه بسوی مکّه حرکت نمود تا خانه خدا را طبق دستور پروردگار زیارت کند و مراسم حجّ را انجام دهد و مردم را باین وظیفه بزرگ مذهبی که اساس اسلام بآن ارتباط دارد آشنا گرداند.

مردم مسلمان از کوچک و بزرگ و زن و مرد در حدود ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر بخدمت حضرتش برای گذراندن این مراسم بحرکت درآمدند.

طبعاً چنین سفری که پیامبر اسلام زهبر و قافله سالار آن باشد و جمعیّتی انبوه با آنحضرت در حرکت باشند اهمیّت فراوانی پیدا خواهد نمود و در مکّه و سایرنقاط اسلامی اثر گذاشته و موجب میشود که در آینده در مراسم حجّ چند برابر بیشتر از این شرکت خواهند کرد.

مراسم انجام شد و بگفتهٔ مقریزی ۳ بار حضرتش خطبه خواند و مردم را به حقایق آشنا کرد در مراجعت جمعیّت به غدیر خم نزدیک جُحْفَه رسیدند، صبح پنجشنبه ۱۸ ذی‌حجّه ملک مقرّب پروردگار جبرائیل امین بحضور رسول محترم رسید و آیهٔ کریمهٔ یا اَیُّهاالرَّسول بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ فَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ را آورد و نبیّ مُعظّم دانست وقت آن رسیده است که علی را که از روز بعثت تا کنون بعناوین مختلف و بزبانهای گوناگون خلیفه و امام معرّفی نموده اکنون او را با صورتی غیرقابل انکار با کمال صراحت بطور یکه همه بدانند، بفهمند و درک کنند، اگر مخالفتی نمایند مانند پرده‌ای باشد که در روی خورشید درخشان کشند بایستی بمردم معرّفی نماید وابستگی امر خلافت را با رسالت و توحید گوشزد فرماید لذا فوراً دستور داد که جلو رفتگان بازگردند و عقب ماندگان خود را برسانند و

خود در مقابل آنها قرار گیرد که همه او را به بینند و صدای او را بشنوند سپس دست علی را گرفت و آنقدر بالا برد که زیر بغل هر دو، بر جمعیّت نمایان شد سپس خطبه‌ای ایراد کرد و مسلمانانرا به حقیقت آشنا نمود.

داستان غدیر با اهمیّتی که در بر داشته، مخالفت مسلمانان صدر اسلام را با آن، جوانان را دچار شُبهه و اشکال نموده که پیامبر اکرم(ص) با اهمیّت هرچه تمامتر مطلب را بیان کند و صدهزار نفر آنرا بشنوند و مطلب را بگیرند و پس از دو ماه و چند روز یکباره همه فراموش کنند و برخلاف گفته رسول اکرم(ص) خلافت را به دیگری انتقال دهند ولی جریان تاریخ در دورانهای مختلف و ادوار گوناگون زندگی بشری زیاد نشان داده که تنها در اثر پیش آمدی فکر، اندیشهٔ خود را تغییر داده و مسیر زندگی خود را عوض نموده‌اند و چقدر زود هم تغییر مسلک داده و راه جدید را پیروی کرده‌اند که گوئی اصلاً چنان راهی را نه‌پیموده و آشنا نبوده‌اند اینجاست که باید دقّت نمود، رهبران اِلهی کار و زمام امور را بدست گیرند تا مردم را بخیر و صلاح رهبری کنند وگرنه مردم خواه و ناخواه تسلیم دست زورمندان میگردند و عقیدهٔ خود را کورکورانه از دست میدهند و با بدبختی و بیچاره گی روبرو میشوند و تنها گناه آنها اینست که امر خدا را در بارهٔ پیروی از امام و رهبر معصوم خود فراموش نموده‌اند.

آری مردانی که دین اسلام را بمعنای حقیقی خود درک نکرده بودند و برای رسیدن بمقام و منصب تلاش میکردند از مرگ پیغمبر(ص) سوءاستفاده نموده و وضع را دگرگون ساختند و در نتیجه صورتاً بر خلافت تکیه زدند و دَرِ خانه علی را بستند ولی خدا نخواست مردم از در خانه علم و فضیلت دوِر گردند و در محیط تیره و تار و همین

مرَدم ازدرخانه علم وفضیلت دور گردند ودرمحیط تیره وتار و با همین وضع غریب وعجیب که توانستند علی(ع) رابا آن عظمت بسپارند آنقدر حقایق بر زبان و قلم پیروان این دسته جاری شد که بگفته بزرگ آنان:

«مردی که دوستانش از ترس و دشمنانش روی بغض و کینه فضائلش را نگفتند و نه نوشتند معذالک تمام کتب و دساتیر از مدح و منقبتّش پُـر گشت» تابدانند میتوان جمعیّت هارامنقلب کردو به بیراهه بُرد ولی حقیقت قابل تغییر نیست و واقع دگرگون نمیشود. بهترین نمونه‌ای که این حقیقت را برای ما روشن میکند داستان غدیر و خطبه نبیّ اکرم است که برادران سُنّی ما آنرا به تفصیل نقل مینمایند. کتب آنها مفصلاً یاد کرده و ما متن آنرا از کتب معتبره سنّت و جماعت بگفته «الغدیر ج ۱۱/۱» نقل میکنیم تا جوانان ما توجّه داشته باشند پیشوای آنها در چه مقامی قرار گرفته و خودی و بیگانه درباره او چگونه قضاوت مینمایند و بر خود ببالند که چنین رهبر و پیشوائی دارند.

ألحمد لله ونستعينه ونؤمن به، ونتوكّل عليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيّئات أعمالنا الذي لا هادي لمن ضلّ، ولا مضلّ لمن هدى، وأشهد أن لا إله إلا الله، وأنّ محمّداً عبده ورسوله - أما بعد - : أيها الناس قد نبّأني اللطيف الخبير أنه لم يعمر نبيّ إلا مثل نصف عمر الذي قبله، واني أوشك أن اُدعى فأجبت، وإني مسؤول وأنتم مسؤولون، فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلّغت ونصحت وجهدت فجزاك الله خيراً، قال: ألستم تشهدون أن لا إله إلا الله، وأن محمداً عبده ورسوله، وأنّ جنته حقّ وناره حقّ وأنّ الموت حقّ وأنّ الساعة آتية لا ريب فيها وأنّ الله يبعث من في القبور؟ قالوا: بلى نشهد بذلك، قال: أللّهم اشهد، ثمّ قال: أيها الناس ألا تسمعون؟ قالوا: نعم. قال: فاني فرَطٌ على الحوض، وأنتم واردون عليّ الحوض، وإنّ عرض ما بين صنعاء وبصرى[1] فيه أقداح عدد النجوم من فضة فانظروا كيف تخلّفوني في الثقلين[2] فنادى مناد: وما الثقلان يا رسول الله؟ قال: الثقل الأكبر كتاب الله طرفٌ بيد الله عزوجل وطرفٌ بأيديكم فتمسّكوا به لا تضلّوا، والآخر الأصغر عترتي، وإن اللطيف الخبير نبّأني انهما لن يتفرّقا حتى يردا عليّ الحوض فسألت ذلك لهما ربي، فلا تقدّموهما فتهلكوا، ولا تقصروا عنهما فتهلكوا، ثم أخذ بيد عليّ فرفعها حتى رؤي بياض آباطهما وعرفه القوم أجمعون، فقال: أيّها الناس مَن اولى الناس بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: إن الله مولاي وأنا مولى المؤمنين وأنا أولى بهم من أنفسهم فمن كنت مولاه فعليّ مولاه، يقولها ثلث مرات، وفي لفظ احمد إمام الحنابلة: أربع مرات ثم قال: أللهمّ والِ من والاه، وعاد من عاداه، وأحبّ من أحبه، وأبغض من أبغضه، وانصر من نصره، واخذل من خذله، وأدر الحق معه حيث دار، ألا فليبلّغ الشاهد الغايب، ثم لم يتفرّقوا حتى نزل أمين وحي الله بقوله: أليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي، الآية. فقال رسول الله صلّى الله عليه وآله: ألله اكبر على إكمال الدين، وإتمام النعمة، ورضى الربّ برسالتي، والولاية لعليّ من بعدي، ثم طفق القوم يهنّئون أمير المؤمنين صلوات الله عليه وممن هنّأه في مقدّم الصحابة: الشيخان ابوبكر وعمر كلٌّ يقول: بخ بخ لك يابن ابي طالب أصبحت وأمسيت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة، وقال ابن عباس: وجبت والله في أعناق القوم، فقال حسان: إئذن لي يا رسول الله أن اقول في علي أبياتاً تسمعهن، فقال: قل على بركة الله، فقام حسان فقال: يا معشر مشيخة قريش أتبعها قولي بشهادة من رسول الله في الولاية ماضية ثم قال:

يناديهمُ يوم الغدير نبيّهم ✿ بخمّ فاسمع بالرسول مناديا[3]

پیغمبر اسلام در غدیر خم

برای مسلمین سخن میگو ید و امام را تعیین میکند).

نخست رسول اکرم(ص) حمد و ثنای پروردگار گفت و از حضرت بار یتعالی استمداد جست و بر او تکیه زد و ایمان خود را به ساحت ر بوبی و حقیقت اسلام ابراز داشت و از مقام مقدّسش درخواست نمود که از هرگونه بدی و ناشایستگی که مولود طبع و هوای انسانی است او را برکنار دارد و از خطاها و لغزشها دور بدارد چه او کسی را که هدایت کند گمراه نمیگردد و دیگر برای او راه ناهنجاری نیست.

آنگاه شهادت داد بوحدانیّت خدای متعال و نبوّت خود (محمّدبن عبدالله صلّی الله علیه وآله) پس از اینکه خود را با نیروی الهی نیرومند نمود و مراتب اعتقادی خود را روشن ساخت خطاب به جمعیّت مسلمین نمود و فرمود:

مردم: مرا خدای آگاه آشنا خبر داده است که نصف عمر پیامبر گذشته را خواهم نمود دیری نمیگذرد که زندگیم سپری میگردد و منادی حق عزرائیل مرا میخواند و من دعوت حق را لبّیک خواهم گفت آگاه باشید، همگی مسئولیّت در پیشگاه پروردگار داریم و بایستی در مقابل محکمهٔ عدل اِلهی سئوالات حق را جواب گوئیم، اکنون می توانید بگوئید در حضور خدای بزرگ چه خواهید گفت؟

آنها در جواب نبیّ اکرم(ص) عرضه داشتند خواهیم شهادت داد که آنچه بر عهده رسالت داشتی، از بیان احکام و مواعظ بیان نمودی و تا آخرین درجه کوشش و جدّیت در تبلیغ احکام و هدایت اجتماع فرمودی خدا بتو جزای خیر و یاداش , نبکو عنانت فرماند.

سخن آنان پایان یافت ولی پیغمبر ا کرم(ص) میخواست اساسی متین‌تر گذاشته شود تا امامت را روی اساس صحیح و منطقی

بنیان گذاردی کند و مردم آشنا شوند که مبانی اعتقاد خود را چگونه باید پی ریزی کند و از کجا شروع نمایند.

لذا فرمود آیا گواهی میدهید که خدا تنها هست و اوست که سزاوار پرستش است؟ آیا شهادت میدهید که پیغمبر اسلام محمّد بن عبدالله(ص) فرستاده خداست؟ آیا گواهی دادید که بهشت او حق و جهنّم او نیز حقّ است؟ و مرگ واقعیّتی است که قابل انکار نیست؟ آیا قبول دارید که قیامت حقّ است و روزی خواهد رسید که حساب همه رسیدگی میشود و پاداش نیک و بد افراد داده خواهد شد و همه از آرامگاه خود سر بیرون آورده و به محضر پروردگار حضور پیدا میکنند؟ جمعیّت که گوشها را بسخنان حضرتش فراداده بودند یکباره بصدا درآمده و فریاد زدند آری همه بدین اصول اقرار داریم و معتقد میباشیم، آنگاه حضرتش سر بسوی آسمان نمود، گفت خدایا شاهد باش که اینگونه شهادت دادند سپس خطاب بمردم نموده گفت آیا سخنان مرا میشنوید همه گفتند بَلیٰ آنگاه فرمود من زودتر از شما وارد برحوض کوثرمیگردم و شما مرا در کنار حوض درمی یابید، در کنار این دریای پر عرض و طول رحمت الهی قدحهائی از نقره چیده شده است، پس ای گروه مسلمانان بهوش باشید که در چنین وضعی که با من در زندگی جاودانی خود سر و کار دارید نیازی در فیض یابی بوجود من خواهید داشت، پس از من با دو یادگار نفیس پرارزش من چگونه رفتار خواهید نمود؟ حقوق من را در بارهٔ آنان تا چه حدّی رعایت خواهید کرد؟

مردی از میان جمعیّت فریاد برآورد کدام هستند یادگارهای ذیقیمت شما ای رسول خدا؟ پیغمبر اکرم(ص) فرمود آیات خدا که واسطه ایست بین شما و خدای شما که با اعمال و اجراء دستورات آن خود را بمبداء غیب این عالم آشنا نموده و با نیروی الهی بر تمام موجودات تسلّط پیدا میکنید و بعبارت دیگر قوانین الهی است که در

کتابی جمع آوری گردیده و برنامه حیات بشر است که میتوانید در سایه اجراء آن از لحاظ مادّی و معنوی، انسانی کامل گردید دوم عترت که از آن تعبیر به ثقل اصغر شده است و خدای آگاه توانا مرا آگاهی داده که این دو از هم هیچگاه جدا نمیشوند تا در قیامت در کنار حوض کوثر قرار گیرند و جمعیّتها نسبت بآنها محاکمه شوند و من هم از خداوند خواسته ام که بین این دو جدائی نیفتد.

در حقیقت اساس سعادت انسانی از نظر اسلام با دو اصل اساسی تأمین میشود یکی قانونی که از منبع قدرت الهی سرچشمه گرفته و جهان طبیعت بر وفق آن سرشته شده و قابل تغییر و تحوّل نیست دوم اجراء این قانون و حکومت بر پیروان این دین که باید بدست کسانی باشد که از هرگونه خطا و زللی برکنار و خدای متعال عصمت آنانرا تضمین کرده باشد و اگر هر یک از این دو اساس لطمه ای به بیند، نمیتواند بشر سعادت خویش را تأمین کند لذا پیغمبر اکرم(ص) فرمود مواظب باشید آنچه موجب سعادت و نیکبختی شماست پیروی بدون کم و زیاد از این اصل مقدّس است وگرنه در صورت افراط یا تفریط بدون تردید دُچار هلاکت خواهید شد، سخن که بدینجا رسید رسول خدا با بنیانگزاری اساسی دست علی(ع) را گرفت و آنقدر بالا برد که زیر بغل علی(ع) و پیغمبر(ص) آشکار گردید و همه مردم آن دو را مشاهده نمودند و سپس با صدای بلند فرمود مردم، چه کسی از همه سزاوارتر و اولیتر است از مردم بخود آنها؟ و کدام کس میتواند بر مردم ولایت داشته باشد و حکومت چه کسی مقدّم است بر حکومت خود مردم بر مردم« آنها جواب دادند خداوند و رسول اینمطلب را بهتر میدانند آنگاه پیغمبر فرمود خدا بر من ولایت داده و فرمانده من اوست و من بر طبق امر پروردگار ولایت بر مردم داشته و بآنها فرمان میدهم و فرمان من مقدّم است بر خواستهٔ خود مردم سپس مردم را به حقیقتی بزرگ آشنا کرد که خدای متعال

میخواهد جامعهٔ انسانی را به اوج عظمت خود برساند و او را به رهبر الهی که آشنا به رموز حیات و زندگیست و از هر لغزش و گناهی بدور است بسپارد و گفت اکنون که ولایت را برای من اقرار دارید بدانید که هرکه مرا مولای خود میداند و امتثال اوامر مرا بر خود واجب میشمارد بایستی بداند که علی مولای اوست و ولایت از آن علی(ع) است و اینجمله را سه بار تکرار نمود و مردم را باین حقیقت آشنا ساخت و بنابگفته احمد امام و پیشوای حنابله که قسمت اعظم از سنّیان از او پیروی مینمایند: این جمله را نبیّ اکرم(ص) چند بار تکرار فرمود تا جای شُبهه برای اَحدی باقی نماند آنگاه دست بدعا برداشت و گفت خدایا دوست بدار آنکه علی را دوست میدارد و دشمن بدار آنکه علی را دشمن میدارد و هرکه از علی خوشش میآید و او را محبوب خود میداند تو هم او را محبوب خویش خوان و آنکس که از علی بدش بیاید و علی را دوست نمیدارد تو هم او را دوست مدار و یاری کن آن کسی را که علی(ع) را یاری کند و پست بگردان آنکه بمقام مقدّسش کوتاهی ورزد و حقّ و حقیقت را در سرتاسر وجود علی(ع) گسترش ده آنطور که هرچه از او سر زند بر طبق واقع و حقّ باشد (خلاصه عزّت و سعادت در سایهٔ متابعت از علی، نکبت و بدبختی در اثر قبول نکردن ولایت اوست).

ای مردم مسلمان شنیدید آنچه من بشما بامر خدای بزرگ ابلاغ نمودم؟ شما هم بدیگران که در این محضر نیستند پیام الهی را برسانید و در اینکار کوشش کنید مبادا گفته خدا از یاد برود و بشر دُچار بدبختی گردد، سخن رسول اکرم(ص) بپایان رسید مردم نزدیک بود که پراکنده شوند ناگهان ملک مقرّب پروردگار جبرئیل امین بحضرتش نازل شد و آیه مبارکهٔ اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُم وَ اَتْمَمْتُ عَلَیْکُم نعمتی را آورد و با نزول این آیه شریفه پیامبر آنقدر مسرور گردید چه دانست امروز، دین خدا کامل گردیده و دیگر بشر احتیاجی

از این لحاظ ندارد و دین اسلام میتواند با این اصل اساسی تا روز قیامت حکومت کند و مردم را بحق آشنا سازد و انسانها را بمقام شامخ انسانیّت رهبری نماید. لذا پیامبر فریاد زد اللّٰه اکبر دین خدا کامل گردید و نعمت پروردگار بر بشریّت تمام گشت، خدای متعال رسالت مرا بعنوان آخرین رسول(ص) و ولایت علی(ع) را برایْ مردم پسندید و مقررفرمودمردم ومسلمانانی که ناظر این صحنه بزرگ دینی بودند همه نزد پیغمبر(ص) و علی(ع) آمدند با حرارت هرچه بیشتر منصب مقدس الهی ولایت را بمرتضی علی(ع) تبریک گفتند، شادی و سرور در جمعیّت حکمفرما گردید و از کسانیکه بر دیگران سبقت گرفتند و درجلو جمعیّت تبریک گویان قرار داشتند دو مرد بنام ابوبکر و عمر بودند که با جمله بَخٍّ بَخٍّ لَکَ یَابْنَ اَبیطالب اَصْبَحْتَ وَاَمْسَیْتَ مَوْلایَ وَمَوْلا کُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَة اثبات ولایت علی را بر خود و سایر مسلمین نمودند و ابن‌عبّاس سوگند بخدا یاد کرد که این ولایت برعهدهٔ جمیع مؤمنین است.

در این میان حَسّان شاعر معروف خود را به پیامبر رساند عرضه داشت اجازه فرمائید من اشعاری در مدح علی بسُرایم، حضرتش موافقت فرمود و از خدا خواست که برکت بذوق و قریحهٔ او بدهد تا بتواند در مدح مُولی علی(ع) شعری بگوید، او هم خطاب بجمعیّت نموده گفت از بزرگان قوم با من همزبان شوید اشعار مرا با شُعار اینکه خلافت و ولایت علی(ع) بگفته رسول اکرم(ص) پابرجاست دنبال کنید آنگاه گفت:

یُنادیهُمْ یَوْمَ الْغَدیرِ نَبِیّهُمْ   بِخُمّ فَاسْمَعْ بِالرَّسُولُ مُنادیا

پروردگارا ما و جمعیّت ما و فرزندان ما را از شیعیان امیرالمؤمنین قرار بده. آمین.

محمدحسین بهجتی (شفق) قم

مظهر عدل و مساوات

کاروانهای حج از شوق وطن می سپردند ره دشت و دمن
بادسان جمله شتابنده براه تا بمنزلگهی آرند پناه
ناگهان امر شد از پیشآهنگ که نمایند دمی چند درنگ
حکم‌شد تاکه بیایند فرود ... اندر آنجا که «غدیر خم» بود
خلقی انبوه و فروتر ز شمار بفکندند در آن مرحله بار
همسر گشته که‌این واقعه‌چیست ؟ جای افکندن باراینجانیست !
چشمها خیره ودلها نگران که‌چه‌رازاست‌پس پرده‌نهان ؟!
همه حیران که رسول خاتم ناگهان کرد قد خویش علم
دست‌خود برد سبک ، سوی علی مخزن راز نهان ازلی
کرد او را بسر دست بلند لب اقبال علی زد لبخند !
نور بر نور ، خوش آرام گزید «مه» درخشید بدست «خورشید»
زد پیمبر چو بهاران لبخند گفت با جمع ، بآواز بلند:
بردل و جان شما اولی کیست ؟ دررهٔ‌دین‌وخرد مولی کیست؟
همه گفتند بشور و هیجان توئی «اولی» ز همه‌بردل وجان
پس‌از‌آن گفت : دهید ای حضار غایبان را خبر ازاین گفتار
هرکه‌را کاین منم ازجان اولی علیش هست امام و مولا
چون علی مرد خدا کیست‌دگر بخدا مثل علی نیست دگر
چون علی کیست بدنیا حاکم یار مظلوم و عدوی ظالم ؟
چون‌علی‌کیست نوازشگر خلق سایهٔ رحمت حق برسر خلق ؟
چون‌علی‌کیست‌که‌«خاکستر» و «زر» بی‌تفاوت بود اورا بنظر ؟
چون علی کیست‌که در پادشهی ببرد مشک گدا همچو رهی ؟
چون علی کیست‌که درفکر یتیم نرود خواب و بلرزد از بیم ؟
چون‌علی‌کیست‌که باقدرت وجاه دامن آلوده نسازد بگناه ؟
جزعلی‌کیست که‌دارائی خویش همه را جود کند بر درویش ؟
جزعلی‌کیست که آسوده خیال جمعه جاروب زند بیت‌المال ؟
جزعلی‌کیست که درظلمت شب نالد واز مژه ریزد کوکب ؟
گوید ازته بدنیا : شو دور ! که علی از تو نگردد مغرور
جزعلی کیست بداد اندیش که کند سرزنش عامل خویش
کز چه‌رفتی سر خوانی الوان که‌نبودند فقیران مهمان؟!

مجمع کل کمالات علی است
مظهر عدل و مساوات علی است

« احتجاج النبي (ص) يوم الغدير على الخلق كلهم وفى غيره من الايام بولاية علي بن ابي طالب (ع) ومن بعده من ولده من الائمة المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين » .

حدثني السيد العالم العابد ابوجعفر مهدى ابن ابى حرب الحسينى المرعشى رضى الله عنه (١) قال اخبرنا الشيخ ابو علي الحسن بن الشيخ السعيد ابى جعفر محمد بن الحسن الطوسى (٢) رضى الله عنه ، قال اخبرنى الشيخ السعيد الوالد ابو جعفر (٣) قدس الله روحه ، قال اخبرنى جماعة عن ابى محمد هارون بن موسى

(١) مضت ترجمته فى هذا الكتاب ص٦.

(٢) الشيخ ابو على الحسن بن محمد بن الحسن الطوسى ، كان عالماً فاضلا فقيهاً محدثاً جليلا ثقة ، له كتاب الامالى وشرح النهاية ، قرأ على والده جميع تصانيفه واليه ينتهى اكثر الاجازات عن الشيخ الطوسى تنقيح المقال ١ - ٦ ٣

(٣) شيخ الطائفة ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسى ولد فى شهر رمضان سنة ٣٨٥ وقدم العراق سنة ٤٠٨ وبقى فى بغداد مدة ثم هاجر الى النجف الأشرف وبقى فيها حتى وفاته سنة ٤٦٠ ، كان جهبذة من جهابذة الاسلام وعظيما من عظماء امة محمد « ص » ، صنف فى علوم عصره فكانت مصنفاته هى الأم والمرجع ، ولم يجرؤ

التلعكبرى (١) ، قال اخبرنا ابو علي محمد بن همام ، (٢) قال اخبرنا علي السورى (٣) ، قال اخبرنا ابو محمد العلوى (٤) من ولد الأفطس - وكان من عباد الله الصالحين - قال حدثنا محمد بن موسى الهمدانى (٥) ، قال حدثنا محمد بن خالد الطيالسى (٦) ، قال حدثنا سيف بن عميرة (٧) وصالح بن عقبة (٨) جميعاً

- على الافتاء بعده احد من علماء الشيعة الى سنين متمادية لقوته فى الفقه واضطلاعه فى العلوم الاسلامية . الكنى والالقاب ٢ / ٣٥٧ - ٣٥٩ .

(١) ابو محمد هارون بن موسى الشيبانى ثقة جليل القدر عظيم المنزلة واسع الرواية عديم النظير وجه أصحابنا معتمد عليه لا يطعن عليه فى شىء توفى سنة ٣٨٥ . الكنى والالقاب ٢ / ١٠٨

(٢) ابو على محمد بن ابى بكر همام بن سهيل الكاتب الاسكافى شيخ أصحابنا ومتقدمهم ، له منزلة عظيمة ، كثير الحديث ، ولد يوم الاثنين ٦ ذى الحجة سنة ٢٥٨ وتوفى يوم الخميس ١٩ جمادى الثانية سنة ٣٣٦ . رجال النجاشى ص ٢٩٤ .

(٣) لم نقف على ترجمة له ـ فليراجع

(٤) يحيى المكنى ابا محمد العلوى من بنى زبارة علوى سيد متكلم فقيه من اهل نيشابور له كتب كثيرة . منها كتاب فى المسح على الرجلين فى ابطال القياس وكتاب فى التوحيد . رجال النجاشي ص ٣٤٥ .

(٥) محمد بن موسى بن عيسى ابو جعفر الهمدانى السمان ، ضعفه القميون بالغلو له كتاب ما روى فى ايام الأسبوع وكتاب الرد على الغلاة . رجال النجاشي ص ٢٦٠ واقول: كيف يقال فى محمد هذا انه غال مع العلم ان من مؤلفاته كتاب الرد على الغلاة ـ فلاحظ

(٦) ابو عبد الله محمد بن خالد الطيالسى التميمى كان يسكن بالكوفة فى صحراء جرم ، له كتاب نوادر ، مات ليلة الاربعاء ٢٧ جمادى الثانية سنة ٢٥٩ وهو ابن ٩٧ سنة . تنقيح المقال ٣ / ١١٤

(٧) سيف بن عميرة النخعى عربى ثقة كوفى ، روى عن ابى عبد الله وابى الحسن عليهما السلام له كتاب يرويه جماعات من اصحابنا . رجال النجاشي ص ١٤٣ .

(٨) صالح بن عقبة بن قيس بن سمعان بن ابى ربيحة مولى رسول الله صلى الله عليه وآله ، قيل انه روى عن ابى عبد الله عليه السلام ، له كتاب يرويه جماعة . منتهى ـ

عن قيس بن سمعان (١) عن علقمة بن محمّد الحضرمى (٢) عن ابى جعفر محمّد ابن علي عليه السلام انه قال :حج رسول الله صلى الله عليه وآله من المدينة وقد بلّغ جميع الشرايع قومه غير الحج والولاية ، فأتاه جبرئيل عليه السلام فقال له : يا محمّد ان الله جل اسمه يقرئك السلام ويقول لك : انى لم أقبض نبياً من انبيائى ولا رسولا من رسلى الا بعد اكمال ديني وتأكيد حجتي ، وقد بقى عليك من ذاك فريضتان مما تحتاج ان تبلغهما قومك : فريضة الحج ، وفريضة الولاية والخلافة من بعدك ، فانى لم أخل ارضى من حجة ولن اخليها ابدا ، فان الله جل ثناؤه يأمرك ان تبلغ قومك الحج وتحج ويحج معك من استطاع اليه سبيلا من اهل الحضر والاطراف والاعراب وتعلمهم من معالم حجهم مثل ما علمتهم من صلاتهم وزكاتهم وصيامهم وتوقفهم من ذلك على مثال الذى اوقفتهم عليه من جميع ما بلغتهم من الشرائع .

فنادى منادي رسول الله صلى الله عليه وآله في الناس : ألا ان رسول الله يريد الحج وان

يعلمكم من ذلك مثل الذى علمكم من شرائع دينكم ويوقفكم من ذاك على ما اوقفكم عليه من غيره . فخرج ﷺ وخرج معه الناس واصغوا اليه لينظروا ما يصنع فيصنعوا مثله ، فحج بهم وبلغ من حج مع رسول الله من اهل المدينة واهل الأطراف والاعراب سبعين ألف انسان او يزيدون على نحو عدد اصحاب موسى السبعين الف الذين اخذ عليهم بيعةهارون فنكثوا واتبعوا العجل والسامرى ،وكذلك اخذ رسول الله (ص) البيعة لعلي بالخلافة على عدد اصحاب موسى فنكثوا البيعة واتبعوا العجل والسامرى سنة بسنة ومثلا بمثل . واتصلت التلبية ما بين مكة والمدينة (٣) .

---

(١) لم نقف على ترجمته .   ـ المقال ص ١٦٣ .

(٢) علقمة بن محمد الحضرمى هو أخو عبد الله بن محمد الحضرمى . رجال الكشي ص ٣٥٤ .

(٣) ذكر العلامة الحجة الثبت الأمينى فى كتابه القيم « الغدير » حديث الغدير بتفاصيله فى الجزء الاول ، وعد الراوين لحديث الغدير ، فكانوا من الصحابة ١١٠-

فلما وقف بالموقف اتاه جبرئيل عليه السلام عن الله عز وجل فقال : يامحمد ان الله عز وجل يقرئك السلام ويقول لك : انه قددنى اجلك ومدتك وانا مستقدمك على ما لابد منه ولا عنه محيص ، فاعهد عهدك وقدم وصيتك واعمد الى ما عندك من العلم وميراث علوم الأنبياء من قبلك والسلاح والتابوت وجميع ما عندك من آيات الأنبياء ، فسلمه الى وصيك وخليفتك من بعدك حجتي البالغة على خلقى علي بن ابى طالب عليه السلام ، فأقمه للناس علماً وجدد عهده وميثاقه وبيعته ، وذكرهم ما اخذت عليهم من بيعتي وميثاقي الذي واثقتهم وعهدى الذى عهدت اليهم من ولاية وليي ومولاهم ومولى كل مؤمن ومؤمنة علي بن ابى طالب عليه السلام ، فانى لم اقبض نبياً من الانبياء الا من بعد اكمال ديني وحجتي واتمام نعمتي بولاية اوليائي ومعاداة اعدائي ، وذلك كمال توحيدى وديني واتمام نعمتي على خلقي باتباع وليي وطاعته ، وذلك انى لا اترك ارضى بغير ولى ولا قيم ليكون حجة لي على خلقي ، فاليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا بولاية وليي ومولى كل مؤمن ومؤمنة علي عبدي ووصي نبي والخليفةمن بعده

وحجتي البالغة على خلقي ، مقرون طاعته بطاعة محمد نبيي ومقرون طاعته مع طاعة محمد بطاعتي ، من أطاعه فقد أطاعني ومن عصاه فقد عصاني ، جعلته علما بيني وبين خلقي ، من عرفه كان مؤمناً ومن انكره كان كافراً ومن اشرك بيعته كان مشركا ومن لقيني بولايته دخل الجنة ، ومن لقيني بعداوته دخل النار ، فأقم يا محمد علياً علما وخذ عليهم البيعة وجدد عهدي وميثاقي لهم الذي واثقتهم عليه ، فاني قابضك الي ومستقدمك علي .

فخشى رسول الله صلى الله عليه وآله من قومه واهل النفاق والشقاق ان يتفرقوا ويرجعوا الى جاهلية لما عرف من عداوتهم ولما ينطوي عليه أنفسهم لعلي من العداوة والبغضاء

ـ شخصاً ، ومن التابعين ٨٤ شخصاً ، ومن الرواة من العلماء ابتداءاً من القرن الثاني حتى القرن الرابع عشر ٣٦٠ شخصاً ، وذكر من المؤلفين في حديث الغدير خصيصاً ٢٦ شخصاً . انظر الجزء الاول من الكتاب ص ١٤ ـ ١٥٧ .

وسأل جبرئيل ان يسأل ربه العصمة من الناس وانتظر ان يأتيه جبرئيل بالعصمة من الناس عن الله جل اسمه ، فأخر ذلك الى ان بلغ مسجد الخيف (١) ، فأتاه جبرئيل عليه السلام في مسجد الخيف فأمره بأن يعهد عهده ويقيم علياً علما للناس يهتدون به ، ولم يأته بالعصمة من الله جل جلاله بالذي اراد حتى بلغ كراع الغميم (٢) بين مكة والمدينة ، فأتاه جبرئيل وامره بالذي اتاه فيه من قبل الله ولم يأته بالعصمة . فقال : ياجبرئيل اني اخشى قومي ان يكذبوني ولا يقبلوا قولي في علي عليه السلام [فسأل جبرئيل كما سأل بنزول آية العصمة فأخره ذلك] فرحل فلما بلغ غدير خم (٣) قبل الجحفة (٤) بثلاثة اميال أتاه جبرئيل عليه السلام على خمس ساعات مضت من النهار بالزجر والانتهار والعصمة من الناس فقال : يا محمد ان الله عز وجل يقرئك السلام ويقول لك « ياايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك » في علي « وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس » (٥) .

وكان اوائلهم قريب من الجحفة ، فأمر بأن يرد من تقدم منهم ويحبس تأخر

---

(١) الخيف هو المنحدر من غلظ الجبل قد ارتفع عن مسيل الماء فليس شرفاً ولا حضيضاً ، وخيف منى هو الموضع الذي ينصب اليه مسجد الخيف . مراصد

الاطلاع ١ / ٤٩٥ .
(٢) كراع الغميم : موضع بالحجاز بين مكة والمدينة امام عسفان بثمانية أميال وهذا الكراع جبل اسود في طرف الحرة يمتد اليه . مراصد الاطلاع ٣ - ١١٥٣ .
(٣) غدير : ما غودر من ماء المطر في مستنقع صغير او كبير غير انه لا يبقى في القيظ . وخم : قيل رجل ، وقيل غيظة ، وقيل موضع تصب فيه عين ، وقيل بئر قريب من المبثب حفرها مرة بن كعب ، نسب الى ذلك غدير خم ، وهو بين مكة والمدينة ، قيل على ثلاثة أميال من الجحفة ، وقيل على ميل ، وهناك مسجد للنبي . مراصد الاطلاع ١ - ٤٨٢ ، ٢ - ٩٨٥ .
(٤) الجحفة : كانت قرية كبيرة ذات منبر على طريق مكة على أربع مراحل .. وكان اسمها مهيعة وسميت الجحفة لان السيل جحفها ، وبينها وبين البحر ستة اميال . مراصد الاطلاع ١ - ٣١٥ .
(٥) المائدة : ٦٧ .

عنهم في ذلك المكان ليقيم علياً علماً للناس ويبلغهم ما انزل الله تعالى في علي واخبره بأن الله عز وجل قد عصمه من الناس ، فأمر رسول الله عندما جاءته العصمة مناديا ينادي في الناس بالصلاة جامعة ويرد من تقدم منهم ويحبس من تأخر وتنحى عن يمين الطريق الى جنب مسجد الغدير امره بذلك جبرئيل عن الله عز وجل ، وكان في الموضع سلمات (١) فأمر رسول الله ﷺ ان يقمّ ما تحتهن (٢) وينصب له حجارة كهيئة المنبر ليشرف على الناس ، فتراجع الناس واحتبس أواخرهم في ذلك المكان لا يزالون ، فقام رسول الله ﷺ فوق تلك الأحجار ثم حمد الله تعالى واثنى عليه فقال :

الحمد لله الذي علا في توحده ، ودنا في تفرده ، وجل في سلطانه ، وعظم في أركانه ، واحاط بكل شيء علماً وهو في مكانه ، وقهر جميع الخلق بقدرته وبرهانه مجيداً لم يزل محموداً لا يزال ، باريء المسموكات (٣) وداحي المدحوات وجبار الأرضين والسماوات ، قدوس سبوح رب الملائكة والروح ، متفضل على جميع من برأه متطول على جميع من انشأه ، يلحظ كل عين والعيون لا تراه ، كريم حليم ذو أناة ، قد وسع كل شيء رحمته ومنّ عليهم بنعمته ، لا يعجل بانتقامه ولا يبادر اليهم بما استحقوا من عذابه ، قد فهم السرائر وعلم الضمائر ، ولم تخف عليه المكنونات ، ولا اشتبهت عليه الخفيات ، له الاحاطة بكل شيء والغلبة على كل

شيء والقوة في كل شيء والقدرة على كل شيء وليس مثله شيء ، وهو منشيء الشيء حين لا شيء ، دائم قائم بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ، جلّ عن ان تدركه الأبصار وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير ، لا يلحق احد وصفه من معاينة ، ولا يجد أحد كيف هو من سر وعلانية الا بما دل عز وجل على نفسه .

وأشهد أنه الله الذي ملأ الدهر قدسه، والذي يغشى الابد نوره ، والذي ينفذ امره بلا مشاورة مشير ولا معه شريك في تقدير ولا تفاوت في تدبير ، صور ما ابدع على غير مثال وخلق ما خلق بلا معونة من احد ولا تكلف ولا احتيال ، انشأها فكانت وبرأها فبانت ، فهو الله الذي لا اله الاهو المتقن الصنعة الحسن الصنيعة العدل الذي لا يجور والاكرم الذي ترجع اليه الامور .

واشهد انه الذي تواضع كل شيء لقدرته وخضع كل شيء لهيبته ملك الاملاك ومفلك الافلاك ومسخر الشمس والقمر كل يجرى لاجل مسمى ، يكور الليل على النهار (١) ويكور النهار على الليل يطلبه حثيثا ، قاصم كل جبار عنيد ومهلك كل شيطان مريد ، لم يكن معه ضد ولاند ، احد صمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد ، اله واحد ورب ماجد يشاء فيمضى ويريد فيقضي ويعلم فيحصى ويميت ويحيي ويفقر ويغني ويضحك ويبكي ويمنع ويعطي ، له الملك وله الحمد بيده الخير وهو على كل شيء قدير ، يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل لا اله الا هو العزيز الغفار ، مجيب الدعاء ومجزل العطاء ، محصى الانفاس ورب الجنة والناس ، لا يشكل عليه شيء ولا يضجره صراخ المستصرخين ولا يبرمه الحاح الملحين ، العاصم للصالحين والموفق للمفلحين ومولى العالمين ، الذي استحق من كل من خلق ان يشكره ويحمده . احمده على السراء والضراء والشدة والرخاء، وأؤمن به وبملائكته وكتبه ورسله ، اسمع امره واطيع وابادر الى كل ما يرضاه واستسلم لقضائه رغبة في طاعته وخوفاً من عقوبته ، لانه الله الذي لا يؤمن مكره ولا يخاف جوره ، واقر له على نفسي بالعبودية واشهد له بالربوبية وأؤدي ما اوحى الى حذراً من ان لا افعل فتحلّ بي منه قارعة (٢) لا يدفعها عني احد وان عظمت حيلته لا اله الا هو ، لانه قد اعلمني اني ان لم أبلغ ما انزل الي فما بلغت رسالته

(١) كور الشيء : ادارته ضم بعضه الى بعض ككور العمامة
نهار ويكور النهار على الليل : اشارة الى جريان الشمس فى مطالعها وانتقاص الليل وازديادهما

٢) القارعة : الداهية والنكبة المهلكة

وقد ضمن لي تبارك وتعالى العصمة ، وهو الله الكافي الكريم ، فأوحى الي : بسم الله الرحمن الرحيم « ياايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك » في علي [يعنى في الخلافة لعلي بن ابى طالب عليه السلام] « وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس » .

(معاشر الناس) ما قصرت في تبليغ ما أنزل الله تعالى الى ، وانا مبين لكم سبب نزول هذه الآية : ان جبرئيل عليه السلام هبط الي مراراً ثلاثاً يأمرني عن السلام ربي وهو السلام ان اقوم في هذا المشهد فأعلم كل ابيض واسود ان علي بن ابى طالب عليه السلام اخي ووصيى وخليفتي والامام من بعدي ، الذي محله مني محل هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي وهو وليكم من بعد الله ورسوله، وقد انزل الله تبارك وتعالى عليّ بذلك آية من كتابه « انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون » (١) وعلي بن ابى طالب عليه السلام اقام الصلاة وآتى الزكاة وهو راكع يريد الله عز وجل في كل حال .

وسألت جبرئيل ان يستعفي لي عن تبليغ ذلك اليكم ايها الناس لعلمي بقلة المتقين وكثرة المنافقين وادغال (٢) الآثمين وختل (٣) المستهزئين بالاسلام الذين وصفهم الله في كتابه بأنهم يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم ويحسبونه هيناً وهو عند الله عظيم ، وكثرة اذا هم لي في غير مرة حتى سموني اذناً (٤) ، وزعموا اني كذلك لكثرة ملازمته اياي واقبالي عليه ، حتى انزل الله عز وجل في ذلك قرآنا « ومنهم الذين يؤذون النبي ويقولون هو أذن قل أذن » على الذين يزعمون انه اذن « خير لكم يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين » الاية (٥) .

ولو شئت ان اسمي بأسمائهم لسميت وان أومى اليهم بأعيانهم لأومأت وان

---

(١) المائدة : ٥٥ .

(٢) الادغال : المخالفة والخيانة ، وادغل في الأمر : ادخل فيه ما يفسده .

(٣) الختل : الخديعة .

(٤) الاذن بضمتين : الرجل المستمع لما يقال له

(٥) التوبة : ٦١

ادل عليهم لدللت ، ولكني والله في امورهم قد تكرمت ، وكل ذلك لا يرضى الله مني الا ان ابلغ ما انزل الي ،ثم تلى صلى الله عليه وآله « ياايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك » في علي « وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس » .

فاعلموا معاشر الناس ان الله قد نصبه لكم ولياً واماماً مفترضاً طاعته على المهاجرين والانصار وعلى التابعين لهم باحسان ، وعلى البادي والحاضر وعلى الاعجمي والعربي والحر والمملوك والصغير والكبير وعلى الابيض والاسود وعلى كل موحد ماض حكمه جائز قوله نافذ امره ، ملعون من خالفه مرحوم من تبعه مؤمن من صدقه ، فقد غفر الله له ولمن سمع منه واطاع له .

(معاشر الناس) انه آخر مقام أقومه في هذا المشهد فاسمعوا واطيعوا وانقادوا لامر ربكم ، فان الله عز وجل هو مولاكم والهكم ثم من دونه محمد صلى الله عليه وآله وليكم القائم المخاطب لكم ، ثم من بعدي علي وليكم وامامكم بأمر ربكم ، ثم الامامة في ذريتي من ولده الى يوم تلقون الله ورسوله ، لا حلال الا ما احله الله ولا حرام الا ما حرمه الله ، عرّفني الحلال والحرام وانا افضيت بما علمني ربي من كتابه وحلاله وحرامه اليه .

(معاشر الناس) ما من علم الا وقد أحصاه الله فيّ ، وكل علم علمت فقد احصيته في امام المتقين ، وما من علم الا علمته علياً ، وهو الامام المبين

(معاشر الناس) لا تضلوا عنه ولاتنفروا منه ولا تستكبروا [ولا تستنكفوا خ ل] من ولايته ، فهو الذي يهدى الى الحق ويعمل به ويزهق الباطل وينهى عنه ولا تأخذه في الله لومة لائم . ثم انه أول من آمن بالله ورسوله ، وهو الذى فدى رسوله بنفسه وهو الذى كان مع رسول الله ولا احد يعبد الله مع رسوله من الرجال غيره .

(معاشر الناس) فضلوه فقد فضله الله ، واقبلوه فقد نصبه الله .

(معاشر الناس) انه امام من الله ولن يتوب الله على احد أنكر ولايته، ولن يغفر الله له ، حتماً على الله ان يفعل ذلك بمن خالف امره فيه وان يعذبه عذاباً

شديداً نكراً أبد الآباد ودهر الدهور ،فاحذروا أن تخالفوه فتصلوا ناراً وقودها الناس والحجارة أعدت للكافرين .

(ايها الناس) بي والله بشر الأولـون من النبيين والمرسلين ، وانا خـاتم الأنبياء والمرسلين والحجة على جميع المخلوقين من اهل السماوات والارضين ، فمن شك في ذلك فهو كافر كفر الجاهلية الأولى ، ومن شك في شيء من قولي هذا فقد شك في الكل منه ، والشاك في ذلك فله النار .

(معاشر الناس) حباني الله بهذه الفضيلة مناً منه علي واحسانا منه الي، ولا اله الا هو ،له الحمد مني ابد الآبدين ودهر الداهرين على كل حال .

(معاشر الناس) فضلوا علياً فانه افضل الناس بعدي من ذكر وأنثى ، بنا انزل الله الرزق وبقي الخلق، ملعون ملعون مغضوب مغضوب من رد على قولي هذا ولم يوافقه ، ألا ان جبرئيل خبرني عن الله تعالى بذلك ويقول : « من عادى علياولم يتوله فعليه لعنتي وغضبي » فلتنظر نفس ما قدمت لغد ، واتقوا الله ان تخـالفوه فتزل قدم بعد ثبوتها ان الله خبير بما تعملون .

(معاشر الناس) انه جنب الله الذي ذكر في كتابه فقال تعالى : « ان تقول نفس ياحسرتا على ما فرطت في جنب الله » (١) .

(معاشر الناس) تدبروا القرآن وافهموا آياته وانظروا الى محكمـاته ولا تتبعوا متشابهه ، فوالله لن يبين لكم زواجره ولا يوضح لكم تفسيره الا الذي انـا آخذ بيده ومصعده الي ــ وشائل بعضده ــ ومعلمكم ان من كنت مولاه فهذا علي مولاه ، وهو علي بن ابي طالب عليه السلام اخي ووصيي ، وموالاته من الله عز وجـل أنزلها عليّ .

(معاشر الناس) ان علياً والطيبين من ولدي هـم الثقل الاصغر ، والقرآن الثقل الاكبر ، فكل واحد منبيء عن صاحبه وموافق له لن يفترقا حتى يردا علي الحوض ، هم امناء الله في خلقه وحكماؤه في ارضه ، ألا وقد اديت ، ألا وقد بلغت

---

(١) الزمر : ٥٦ .

ألا وقد اسمعت ، ألا وقد اوضحت ، ألا وان الله عز وجـل قال وانا قلت عن الله عز وجل ، ألا انه ليس امير المؤمنين غير اخى هذا ولا تحل امرة المؤمنين بعدى لاحد غيره .

ثم ضرب بيده الى عضده فرفعه ، وكان منذ اول ماصعد رسول الله ﷺ شال عليا حتى صارت رجله مع ركبة رسول الله ﷺ ، ثم قال :

(معاشر الناس) هذا علي اخـى ووصيى وواعى علمى وخليفتى على امتى وعلى تفسير كتاب الله عز وجل والداعى اليه والعامل بما يرضاه والمحارب لأعدائه والموالى على طاعته والناهى عن معصيته خليفة رسول الله وامير المؤمنين والامـام الهادى وقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين بأمر الله ، اقول ما يبدل القول لـدي بأمر ربى ، اقول : اللهم وال من والاه وعاد من عاداه والعن من انكره واغضب على من جحد حقه ، اللهم انك انزلت علي ان الامامة بعدى لعلي وليك عندتبيانى ذلك ونصبى اياه بما اكملت لعبادك من دينهم واتممت عليهم بنعمتك ورضيت لهم الاسلام دينا ، فقلت : « ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين »(١) اللهم انى اشهدك وكفى بك شهيداً انى قد بلغت .

(معاشر الناس) انما اكمل الله عز وجل دينكم بامامته ، فمن لم يأتم به وبمن يقوم مقامه من ولدى من صلبه الى يوم القيامة والعرض على الله عز وجـل فأولئك الذين حبطت اعمالهم وفي النار هم فيها خالدون ، لا يخفف عنهم العـذاب ولا هم ينظرون .

(معاشر الناس) هذا علي انصركم لى واحقكم بي واقربكم الى واعزكم علي ، والله عز وجل وانا عنه راضيان ، وما نزلت آية رضى الا فيه ، وما خاطب الله الذين آمنوا الا بدأبه ، ولا نزلت آية مدح في القرآن الا فيه ، ولاشهد بالجنة في هل اتى على الانسان الا له ، ولا انزلها في سواه ، ولا مدح بها غيره .

(معاشر الناس) هو ناصر دين الله والمجـادل عن رسول الله ، وهو التقي

---

(١) آل عمران ٨٥

النقي الهادى المهدى ، نبيكم خير نبي ووصيكم خير وصي وبنوه خير الاوصياء .

(معاشر الناس) ذرية كل نبي من صلبه وذريتى من صلب علي .

(معاشر الناس) ان ابليس اخرج آدم من الجنة بـالحسد ، فلا تحسدوه فتحبط اعمالكم وتزل اقدامكم ، فان آدم اهبط الى الارض بخطيئة واحدة وهو صفوة الله عز وجل وكيف بكم وانتم انتم ومنكم اعداء الله ، ألا انه لا يبغض عليا الا شقى ولا يتوالى عليا الا تقى ولا يؤمن بـه إلا مؤمن مخلص ، وفي علي والله نزلت سورة والعصر « بسم الله الرحمن الرحيم . والعصر ان الانسان لفى خسر » الى آخرها .

(معاشر الناس) قد استشهدت الله وبلغتكم رسالتى ، ومنا على الرسول الا البلاغ المبين

(معاشر الناس) اتقوا الله حق تقاته ، ولا تموتن الا وانتم مسلمون .

• (معاشر الناس) آمنوا بـالله ورسوله والنور الذى انزل معه من قبـل ان نطمس وجوهاً فنردها على ادبارها .

(معاشر الناس) النور من الله عز وجل في مسلوك ثم في على ثم في النسل منه الى القائم المهدى الذي يأخذ بحق الله وبكل حق هولنا ، لأن الله عز وجل قـد جعلنا حجة على المقصرين والمعاندين والمخالفين والخائنين والآثمين والظالمين من جميع العالمين .

(معاشر الناس) انذركم اني رسول الله قد خلت من قبلي الرسل افان مت او قتلت انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا وسيجزى الله الشاكرين ، ألا وان عليا هـو الموصوف بالصبر والشكر ثم من بعده ولـدى من صلبه .

(معاشر الناس) لا تمنوا على الله اسلامكم فيسخط عليكم ويصيبكم بعذاب من عنده انه لبالمرصاد .

(معاشر الناس) انه سيكون من بعدى ائمة يدعون الى النار ويوم القيـامة لا ينصرون .

(معاشر الناس) ان الله وأنا بريئان منهم .

(معاشر الناس) انهم وانصارهم واتباعهم واشياعهم في الدرك الأسفل من النار ولبئس مثوى المتكبرين ، ألا انهم اصحاب الصحيفة فلينظر احدكم في صحيفته قال : فذهب على الناس الا شرذمة منهم امر الصحيفة .

(معاشر الناس) انى ادعها امامة ووراثة في عقبى الى يوم القيامة ، وقد بلغت ما امرت بتبليغه حجة على كل حاضر وغائب وعلى كل احد ممن شهد أو لـم يشهد ولد أو لم يولد ، فليبلغ الحاضر الغائب والوالد الولد الى يوم القيامة، وسيجعلونها ملكا واغتصابا ، ألا لعن الله الغاصبين والمغتصبين ، وعندها سنفرغ لكما ايها الثقلان فيرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران .

(معاشر الناس) ان الله عز وجل لم يكن يذركم على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب ، وما كان الله ليطلعكم على الغيب .

(معاشر الناس) انه ما من قرية الا والله مهلكها بتكذيبها ، وكذلك يهلك القرى وهي ظالمة كما ذكر الله تعالى ، وهذا علي امامكم ووليكم وهـو مواعيد الله والله يصدق ما وعده .

(معاشر الناس) قد ضل قبلكم اكثر الأولين ، والله لقد أهلك الأولين وهو مهلك الآخرين ، قال الله تعالى : « الم نهلك الأولين . ثم نتبعهم الآخرين . كذلك نفعل بالمجرمين . ويل يومئذ للمكذبين » (١)

(معاشر الناس) ان الله قد أمرني ونهاني ، وقد امرت علياً ونهيته ، فعلم الأمر والنهى من ربه عز وجل ، فاسمعوا لأمره تسلموا ، واطيعوه تهتدوا، وانتهوا لنهيه ترشدوا ، وصيروا الى مراده ولا تتفرق بكم السبل عن سبيله .

(معاشر الناس) انا صراط الله المستقيم الذى امركم باتباعه ثم على مـن

---

(١) المرسلات : ١٦ - ١٩ .

بعدي ثم ولدي من صلبه ائمة يهدون الى الحق وبه يعدلون ، ثم قرأ « الحمد لله رب العالمين » الى آخرها وقال : فيّ نزلت وفيهم نزلت ولهم عمت واياهم خصت ، اولئك اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ، ألا ان حزب الله هم الغالبون ، ألا ان اعداء علي هم أهل الشقاق والنفاق والحادون وهم العادون واخوان الشياطين الذين يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول غروراً ، ألا ان اولياءهم الذين ذكرهم الله في كتابه فقال عز وجل « لا تجد قوماً يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادّ (١) الله ورسوله » (٢) الى آخر الآية ، ألا ان اولياءهم الذين وصفهم الله عز وجل فقال : « الذين آمنوا ولم يلبسوا (٣) ايمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون » (٤) ألا ان اولياءهم الذين وصفهم الله عز وجل فقال الذين يدخلون الجنة آمنين تتلقاهم الملائكة بالتسليم ان طبتم فادخلوها خالدين (٥) . ألا ان اولياءهم الذين قال لهم الله عز وجل : يدخلون الجنة بغير حساب (٦) ، ألا ان اعداءهم يصلون سعيراً (٧) ، ألا ان اعداءهم الذين يسمعون لجهنم شهيقاً وهي تفور ولها زفير (٨) ، ألا ان اعداءهم الذين قال الله فيهم : « كلما دخلت امة

(١) حاده بتضعيف الدال : خالفه ولم يطع امره

(٢) المجادلة : ٢٢ .

(٣) اي يستروا ايمانهم بظلم ، فان اللبس في الاصل بمعنى الستر .

(٤) الأنعام ٨٢

(٥) هذا المضمون مأخوذ من قوله تعالى « وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤها وفتحت أبوابها قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين» الزمر : ٧٣

(٦) مأخوذ من قوله تعالى :« فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب» غافر : ٤٠

(٧) مأخوذ من قوله تعالى « فسوف يدعو ثبوراً . ويصلى سعيراً» الانشقاق: ١٢

(٨) اشارة الى قوله تعالى : « اذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظاً وزفيراً» الفرقان : ١٢

لعنت اختها » (١) الاية ، ألا ان اعداءهم الذين قال الله عز وجل : « كلما القي فيها فوج سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير . قالوا بلى قد جائنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزّل الله من شيء ان انتم الا في ضلال مبين » (٢) ، ألا ان اولياءهم الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير .

(معاشر الناس) شتان ما بين السعير والجنة ، عدونا من ذمه الله ولعنه ووليننا من مدحه الله واحبه .

(معاشر الناس) الا واني منذر وعلي هاد .

(معاشر الناس) اني نبى وعلي وصي ، ألاان خاتم الأئمة منا القائم المهدى ألا انه الظاهر على الدين ، ألا انه المنتقم من الظالمين ، ألا انه فاتح الحصون وهادمها ألا انه قاتل كل قبيلة من اهل الشرك ، ألا انه مدرك بكل ثار لأولياء الله ، ألا انه الناصر ن الله ، ألا انه الغراف (٣) في بحر عميق ، ألا انه يسم (٤) كل ذى فضل بفضله وكل ذى جهل بجهله ، ألا انه خيرة الله ومختاره ، ألا انه وارث كل علم والمحيط به ، ألا انه المخبر عن ربه عز وجل والمنبه بأمر ايمانه ، ألا انه الرشيد السديد ، ألا انه المفوض اليه ، ألا انه قد بشر من سلف بين يديه ، ألا انه الباقى حجة ولا حجة بعده ولا حق الا معه ولا نور الا عنده ، ألا انه لاغالب له ولا منصور عليه ، ألا وانه ولى الله في ارضه وحكمه في خلقه وامينه في سره وعلانيته

(معاشر الناس) قد بينت لكم وأفهمتكم ، وهذا علي يفهمكم بعدى ، ألا واني عند انقضاء خطبتى ادعوكم الى مصافقتى (٥) على بيعته والاقرار به ثم مصافقته بعدي ، ألا واني قد بايعت الله وعلى قد بايعنى وانا آخذكم بالبيعة له عن

---

(١) الاعراف : ٣٨ . (٢) الملك : ٨ - ٩ .

(٣) غرف الماء بيده : أخذه بها ، وهذا اشارة الى ما اخذه علي عليه السلام من علوم النبى صلى الله عليه وآله الكثيرة التى هى كالبحر العميق الذى لم يصل الناس الى أعماقه . (٤) يسم الشيء : يجعل له علامة يعرف بها .

(٥) صفق يده بالبيعة ، وصفق على يده : ضرب يده على يده ، والمصافقة : المبايعة

الله عز وجل « فمن نكث فانما ينكث على نفسه » (١) الا ية .

(معاشر الناس) ان الحج والصفا والمروة والعمرة من شعائر الله « فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه ان يطوّف بهما » (٢) الآية .

(معاشر الناس) حجوا البيت ، فما ورده اهل بيت الا استغنوا ، ولاتخلفوا عنه الا افتقروا .

(معاشر الناس) ما وقف بالموقف مؤمن الا غفر الله له ما سلف من ذنبه الى وقته ذلك فاذا انقضت حجته استؤنف عمله .

(معاشر الناس) الحجاج معانون (٣) ونفقاتهم مخلفة ، والله لا يضيع اجر المحسنين .

(معاشر الناس) حجوا البيت بكمال الدين والتفقه ، ولا تنصرفوا عن المشاهد الا بتوبة واقلاع (٤) .

(معاشر الناس) اقيموا الصلاة وآتوا الزكاة كما امركم الله عز وجل، لئن طال عليكم الامد فقصرتم او نسيتم فعلي وليكم ومبين لكم الذى نصبه الله عز وجل بعدي ، ومن خلفه الله مني وانا منه يخبركم بما تسألون عنه ويبين لكم ما لا تعلمون ، ألا ان الحلال والحرام اكثر من أن أحصيهما واعرفهما ، فآمر بالحلال وانهى عن الحرام في مقام واحد ، فأمرت ان آخذ البيعة منكم والصفقة لكم بقبول ما جئت به عن الله عز وجل في علي امير المؤمنين والأئمة من بعده الذين هم مني ومنه ، ائمة قائمة منهم المهدي الى يوم القيامة الذي يقضي بالحق .

(معاشر الناس) وكل حلال دللتكم عليه أو حرام نهيتكم عنه فانى لم ارجع عن ذلك ولم ابدل ، ألا فاذكروا ذلك واحفظوه وتواصوا به ولا تبدلوه ولا

---

(١) الفتح : ١٠ ، ونكث العهد والبيع : نقضه ونبذه .

(٢) البقرة : ١٥٨

(٣) معانون : مساعدون ، ومخلفة : معوضة

(٤) الاقلاع الترك ، والمراد منه هنا ترك الذنوب

تغيروه ، ألا واني اجدد القول : ألا فآقيموا الصلاة واتوا الزكاة وامروا بالمعروف وانهوا عن المنكر ، ألا وان رأس الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ان تنتهوا الى قولي وتبلغوه من لم يحضر وتأمروه بقبوله وتنهوه عن مخالفته ، فانه امر من الله عز وجل ومني ، ولا امر بمعروف ولا نهي عن منكر الا مع امام معصوم .

(معاشر الناس) القرآن يعرفكم ان الأئمة من بعده ولده ، وعرفتكم انه مني وانا منه ، حيث يقول الله في كتابه « وجعلها كلمة باقية في عقبه » (١) وقلت « لن تضلوا ما ان تمسكتم بهما » .

(معاشر الناس) التقوى التقوى ، احذروا الساعة كما قال الله عز وجل « ان زلزلة الساعة شيء عظيم » (٢) اذكروا الممات والحساب والموازين والمحاسبة بين يدي رب العالمين والثواب والعقاب ، فمن جاء بالحسنة اثيب عليها ومن جاء بالسيئة فليس له في الجنان نصيب .

(معاشر الناس) انكم اكثر من ان تصافقوني بكف واحدة ، وقد امرني الله عز وجل ان آخذ من ألسنتكم الاقرار بما عقدت لعلي من امرة المؤمنين ومن جاء بعده من الأئمة مني ومنه على ما اعلمتكم ان ذريتي من صلبه ، فقولوا بأجمعكم « انا سامعون مطيعون راضون منقادون لما بلغت عن ربنا وربك في امر علي وامر ولده من صلبه من الأئمة ، نبايعك على ذلك بقلوبنا وأنفسنا وألسنتنا وأيدينا على ذلك نحيى ونموت ونبعث ولا نغير ولا نبدل ولا نشك ولا نرتاب ولا نرجع عن عهد ولا ننقض الميثاق نطيع الله ونطيعك وعلياً امير المؤمنين وولده الأئمة الذين ذكرتهم من ذريتك من صلبه بعد الحسن والحسين الذين قد عرفتكم مكانهما مني ومحلهما عندي ومنزلتهما من ربي عز وجل » فقد اديت ذلك اليكم وانهما سيدا شباب اهل الجنة ، وانهما الامامان بعد ابيهما علي وانا ابوهما قبله ، وقولوا « اطعنا الله بذلك واياك وعلياً والحسن والحسين والأئمة الذين ذكرت عهداً وميثاقا مأخوذا لأمير المؤمنين من قلوبنا وانفسنا و ألسنتنا ومصافقة ايدينا من ادركهما

---

(١) الزخرف : ٢٨ . (٢) الحج : ٠١ .

بيده واقر بهما بلسانه ولا نبتغي بذلك بدلا ولا نرى من انفسنا عنه حولا ابداً ، أشهدنا الله و كفى بالله شهيدا وانت علينا به شهيد ، و كل من اطاع ممن ظهر واستتر وملائكة الله وجنوده وعبيده والله اكبر من كل شهيد » .

(معاشر الناس) ما تقولون فان الله يعلم كل صوت وخافية كل نفس ، فمن اهتدى فلنفسه ومن ضل فانما يضل عليها ، ومن بايع فانما يبايع الله يد الله فوق ايديهم .

(معاشر الناس) فاتقوا الله وبايعوا علياً امير المؤمنين والحسن والحسين والأئمة كلمة طيبة باقية ، يهلك الله من غدر ويرحم الله من وفى ، ومن « نكث فانما ينكث على نفسه » الآية .

(معاشر الناس) قولوا الذى قلت لكم وسلموا على علي بامرة المؤمنين ، وقولوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير ، وقولوا « الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله » الآية .

(معاشر الناس) ان فضائل علي بن ابى طالب عليه السلام عند الله عز وجل ، وقد أنزلها في القرآن اكثر من ان أحصيها في مقام واحد ، فمن انبأكم بها وعرفها فصدقوه .

(معاشر الناس) من يطع الله ورسوله وعلياً والأئمة الذين ذكرتهم فقد فاز فوزاً عظيماً .

(معاشر الناس) السابقون السابقون الى مبايعته وموالاته والتسليم عليه بامرة المؤمنين ، اولئك هم الفائزون في جنات النعيم .

(معاشر الناس) قولوا ما يرضى الله به عنكم من القول ، « فان تكفروا انتم ومن في الارض جميعا فلن يضر الله شيئا » (١) ، اللهم اغفر للمؤمنين واغضب على الكافرين والحمد لله رب العالمين .

فناداه القوم :سمعنا وأطعنا على امر الله وامر رسوله بقلوبنا وألسنتنا وأيدينا

---

(١) آل عمران : ١٤٤

وتداكوا (١) على رسول الله وعلى علي عليه السلام فصافقوا بايديهم ، فكان اول من صافق رسول الله صلى الله عليه وآله الاول والثاني والثالث والرابع والخامس وباقى المهاجرين والانصار وباقى الناس على طبقاتهم وقدر منازلهم ، الى ان صليت المغرب والعتمة في وقت واحد ، ووصلوا البيعة والمصافقة ثلاثاً ورسول الله يقول كلما بايع قوم : الحمد لله الذي فضلنا على جميع العالمين . وصارت المصافقة سنة ورسما ، وربما يستعملها من ليس له حق فيها .

وروى عن الصادق عليه السلام انه قال : لما فرغ رسول الله صلى الله عليه وآله من هذه الخطبة رأى الناس رجلا جميلا بهياً طيب الريح فقال : تالله ما رأيت محمداً كاليوم قط ، ما اشد ما يؤكد لابن عمه وانه يعقد عقداً لا يحله الا كافر بالله العظيم وبرسوله ، ويل طويل لمن حل عقده .

قال : والتفت اليه عمر بن الخطاب حين سمع كلامه فأعجبته هيئته ثم التفت الى النبي صلى الله عليه وآله وقال : أما سمعت ما قال هذا الرجل ، قال كذا و كذا ؟ فقال النبي صلى الله عليه وآله : ياعمر اتدرى من ذاك الرجل ؟ قال : لا . قال : ذلك الروح الأمين جبرئيل ، فاياك ان تحله ، فانك ان فعلت فالله ورسوله وملائكته والمؤمنون منك براء .



بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بیکران مر خدائی راست که در اوج عظمت یکتا میباشد در یکتائی بهمه نزدیک استِ بر همه عالم امکان حکومت میکند و در تمام ارکان هستی بزرگی خود را نشان میدهد و بهمه چیز احاطه دارد بر همه موجودات مسلط است و بر تمام کائنات بقدرت و نیروی خلل ناپذیر خود غلبه دارد خدائیست که همیشه مجد و عظمت او گسترش داشته و تمام هستی از خوان نعمت او بهره‌مند بوده و سپاسگزار میباشند تمام عوالم و جود از علوی و سفلی زمین و آسمان همه از پرتو وجود او هستی یافته و بدست نیرومند هستی بخش جهان پدیده‌های گسترده بالا و پائین پدیدار شده است. منزه پاکیزه است خدای جهان آفرین پرورش دهنده است ملائکه و روح را بر همه مخلوقات خویش رحمت خود را گسترش داده و بهمه آفریده‌های هستی احسان خویش را مبذول داشته است همه بر سر خوان نعمت بیکرانش زانو زده و از فیض رحمتش بهره‌مند کشته اند او همه چیز را می بیند و دیگران او را با چشم تن نمی بینند کریمی است که با حلم و بردباری خود صاحب صبروسکینه میباشد و رحمت واسعه اش بر همه اشیاء گسترده و نعمت بی پایانش جهانی را فراگرفته و هیچگاه در انتقام گنه کاران تعجیل نمیکند و بزودی آنها را بسزای کردار ناپسند خود ندمیرساند. خدائیست که از پنهانیها آگاه است ضمائر اشخاص را خوب درک میکند و هیچ چیز از آنچه وجود پیدا میکند بر او مخفی نمی ماند و هیچگاه آنچه در هر زمانی انجام میشود بر او مشتبه نمیگردد اوست که بر همه چیز احاطه دارد و بر تمام اشیاء غالب است و بهرچه تصور شود نیرومند و تواناست و قدرت بر همه کارها دارد و هیچکس مانند او بی نیاز و بدرتمند نیست اوست که اشیاء را از کنم عدم بعرصه هستی درمیاورد همیشه هست و در آفرینش بر پایه قسط و عدل رفتار مینماید نیست مانند او خدائی که بر

همه کس و همه چیز غلبه پیدا کند و چون او عزیزی که هرچه کند روی حکمت و مصلحت آفریده و انجام شود بزرگ است خدائی که همه چیز را می بیند و تمام موجودات کوچکتر از آنند که او را با چشم سر ببینند اوست لطیفی که آگاهی او همه چیز را فراگرفته و با خبرویت همه موجودات را تشخیص میدهد و افکار و روش افعال بندگان را شناسائی میکند و هیچ انسانی بهیچ معنایی نمیتواند او را وصف کند و درپنهان و آشکار او را ببینند یا در یابد مگر آنکه خدای بزرگ خود را برای بندگان خویش توصیف نماید و یا آنطور که میخواهد خویشتن را نمایش دهد، و بانسانهای بیدار وانمود سازد.

و شهادت میدهم این خدائی است که جهان برقداست عظمت او گواه است و همیشه نور او برعالم هستی تابیده و میتابد. خدائی که دستور او بدون مشورت مستشاری انجام می پذیرد و در هیچیک ازمقدرات الهی با خود شریکی نمیگیرد و در تدبیر او هیچگونه اختلافی پیدا نمیشود خود همه موجودات را بدون نمونه و الگوئی تصویر نموده و همه مخلوقات را بدون یاری دیگری هستی پوشانده نه بر خود تکلفی روا داشته و نه حیله ای در کار خلق بکار برده است همه آفریده را انشاء نموده و بوجود آمده اند و بر همه پدیده ها هستی داده پس ظاهر و هویدا شده اند پس اوست تنها خدائی که مانند او کسی نیست کردارش براساسی متقن و محکم و آفریده اش زیبا و دلفریب براساس عدلی که هرگز در آن انجرافی دیده نمیشود و آنچنان دائره کرم و احسانش گسترده است که همه امور باو بازمیگردد و از سرچشمه فیض او کامیاب میشود.

و شهادت میدهم اوست خدائی که همه چیز در ستایش قدرت او خضوع میکند و تمام موجودات درمقابل هیبت و جلالت او سر فرود میآورند همه چیز را مالک است تمام افلاک بدست نیرومند او درمدار خود دور میزند و خورشید و ماه مسنخر خود ساخته تا درمدار خویش برای زمانی که معین شده بحرکت درآیند با سرعت هرچه

بیشتر شب را در روز و روز را در شب فرو میبرد و هر ستمکار خونخواری را درهم می شکند و هر شیطانی که برای آزار مردمی میکوشد بنابودی میکشاند هیچکس در مقابل او نمیتواند از خود موجودیتی نشان دهد و با او شرکتی داشته باشد فردی است تنها که از همه جهات بی نیاز نه او از پدری تولد یافته نه فرزندی از او بجای مانده است همانندی است که شریکی و همدوشی نداشته و نخواهد داشت پروردگاری است تنها و خدائیست صاحب مجد و عظمت میخواهد پس انجام می یابد و اراده میکند پس آنچه خواسته واقع میشود و میداند پس همه چیز را احصاء وشماره میکند و میمیراند سپس زنده میسازد نادار میکند و بعد توانا میگرداند اوست میگریاند و میخنداند و اوست می بخشد و بازمیگیرد اوست که همه جهان از آن اوست و تمام نیکیها و زیبائیها بدست توانای او انجام می پذیرد و بر همه چیز نیرومند و قدرت دارد و شب را در روز و روز در شب فرود میآوردوهیچ خدائی جزخدای عزیز باگذشت وجودنداردکه خواسته انسان راجواب گویدو بانسان عطابخشدوانفاس بندگان را بشماردو پروردگار بهشت و مردم است هیچ مشکلی برای او پیش نمیآید و هیچ ناله کننده‌ای او را آزار نمیرساند و اصرار الحاح مردم او را در انجام کار قوی و محکم نمیسازد بلکه حس رأفت و حرمت او را بیشتر می نماید و من چنین خدائی را باور داشته و بملائکه و کتب آسمانی او و پیامبران بزرگوارش ایمان آورده هرچه امر کند میشنوم و آنچه دستور دهد اطاعت میکنم و بهرچه موردپسند رضایت اوست عاشقانه استقبال مینمایم و بقضاء و حکم الهیش تن میدهم چه در طاعت او و فرمانبری حضرتش دل داده‌ام و از عقوبت او بیمناکم زیرا خدائی است که هیچکس نمیتواند از فرمان او سر زند و از اطاعت او در هر حالی فرار کند و از پاداش و مکر او قدم فراتر نهد. اقرار میکنم که من افتخار بندگی او را دارم و او پروردگار مهربان من است و من ابلاغ

میکنم و اجراء مینمایم آنچه برمن وحی رسیده چه میترسم از آنکه اگر کوتاهی کنم و آنچه بمن دستور داده اجراء بنمائیم از ناحیه حضرتش برمن سرکوبی و مجازاتی روا دارد و مشکلی برایم پیش آورد که هیچکس قدرت دفع آنرا نداشته باشد هرچند نیرومند و حیله گر باشد خدائی بزرگ است مانندی ندارد درچنین شرایطی مرا دستور داده است که اگرمن تبلیغ رسالت ننموده و آنچه بمن فرمان داده است انجام ندهم بنابراین در امر رسالت کوتاهی نموده گوئی کاری انجام نداده‌ام پیامبری نبوده‌ام و درمقابل چنین امر بس خطیری عصمت و نگهبانی من و آئین مرا که مورد تعرض خودی و بیگانه قرار میگردد تا روزقیامت تامین نموده است و اوست خدائی نیرومند که با دست با کفایت خود و کرم بی نهایت خویش همه هستیها را وجود میدهد و اداره میکند و بمن وحی فرستاده است.

وحی خدا

بسم الله الرحمن الرحیم «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس»

ای پیامبر با عظمت آنچه برای تو فرستاده ام و بتو از پروردگار بی همتایت رسیده بمردم ابلاغ فرما و در این امر هیچگونه سستی و سهل انگاری روا مدار و از دشمنان مترس چه اگر در این تبلیغ کوتاهی نموده امر رسالت را بهیچوجه انجام نداده گوئی رسالتی اصلاً وجود نداشته است و با دلی آرام و روحی قوی متوجه باش که خدای نگهدار و حافظ تست»

مردم آگاه باشید من آنچه دریافت نموده بودم بدون کوچکترین تصرفی در اختیار شما قرار دادم و برای شما آگاهی دادم که بمن از پیشگاه مقدس ربوبی چه دستوری صادر شده و چگونه این آیه کریمه برای ادامه خدمت در طول زمان بمن رسیده است.

جبرائیل امین وحی پروردگار سه بار بر من نازل گردید و درود و سلام خدای را بمن ابلاغ نمود و با کمال قاطعیت دستور الهی را در این سرزمین و برنامه مکتب پرارزش شیعه را با صورتی خلل ناپذیر اعلام داشت و آنچه من انجام داده و میدهم فقط روی فرمان الهی است.

پس همه ملتها و انسانها در تمام اقشار از سیاه و سفید همه باید بدانند که مدرسه اسلام با مرگ من بسته نمی شود و علی بن ابیطالب برادر من و وصی من و جانشین من و پیشوای مسلمین بعد از من است او در جایگاهی از عزت و پیشوائی قرار گرفته که هارون پس از موسی قرار داشت ولی پس از حضرت موسی انبیاء آمدند ولی بعد از من دیگر رسالت و نبوتی نخواهد بود.

باید شما پس از اطاعت از خدای خویش و رسول از فرمان علی که ولی و پیشوای شماست پیروی کنید چه ایندستور الهی است که خدا در کتاب آسمانیش بیان فرموده «وانما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة وهم راکعون»

علی بن ابیطالب است که اقامه نماز میگذارد و در رکوع صدقه و زکوة میدهد چه او خدا را.در هر حال میخواهد و سپاس میگوید و من باین وحی الهی رساندم که مرا از این تبلیغ معذور دارند چه مردم: من میدانستم که درمیان جمعیت باور کنندگان تعداد کمی را تشکیل میدهند و کسانیکه دورو هستند عده بیشماری میباشند و گنهکاران در کار رخنه میکنند و من مورداستهزاء مردم بی ایمان قرار میگیرم اینها همان گروهی هستند که خدای متعال در قرآن کریم نسبت بآنها مینفرماید «یقولون بالسنتهم مالیس فی قلوبهم و یحسبونه هیناً وهو عندالله عظیم» اینها بزبان ایمان میآورند و در دل باور ندارند

و چنین می پندارند که کار کوچکی انجام میدهند درحالیکه در پیشگاه خدای بزرگ بسیار پراهمیت است که انسانی بگوید آنچه را که باور ندارد. همین دسته بودند که مرا مکرر آزار مینمودند و بمن میگفتند او تنها گوش است هرچه باو میگویند او باورمیدارد از خود اراده ای ندارد چه میدیدند علی همیشه با من است من نسبت باو کمال عطوفت و علاقه را ابراز دارم تا کار آزار آنها بجائی رسید که آیه نازل شده «ومنهم الذین یودون النبی و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم» مردم از حقیقت بدور اینقدر اذیت و آزار پیامبر خدا را نمودند و خدا فرمود باین دسته بگو اگر پیامبر خدا، گوش باشد همانطور که شما میگوئید بنفع شماست، پیامبر در اینجا پرده را بالا زد و با کمال صراحت گفت اگر بخواهم یک یک ایندسته را نام ببرم و فردفرد آنها را نشان دهم آنها را برای مردم معرفی مینمایم ولی خدا میداند کرامت اخلاقی من مانع از اینگونه افشاگریهاست و پروردگار من اینگونه امر یکه سبب کم ارزشی و بی شخصیتی من میگردد بر من نمی پسندد مگر آن زمانی که وحی بمن برسد و دستوری از مقام کبریائی دریافت کنم آنوقت است که هرچه فرمان رسد بدون چون و چرا و گفت و شنود اجراء میکنم سپس آیه مبارکه را دوباره تلاوت فرمود «یا ایهاالرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» آنچه در باره امیرالمؤمنین علی دستور داده‌ام فرمانم را بمردم برسان «وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس، اگر کوتاهی نمائی رسالت خود را اصولاً انجام نداده و مطمئن باش که خداوند تو را از آزار مردم نگهبانی و نگه داری مینماید مردم آگاه باشید که خدای بزرگ علی را برای شما ولی امر و امام مفترض الطاعة قرار داده و او را خدا باین منصب عالی منصوب نموده است بنابراین بر همه طبقات از مهاجر انصار تابعین لازم است که امر خدا را امتثال نمایند و او را به نیکوترین صورتی بامارت بپذیرند و هر شهری و

بیابانی از عجم و عرب آزادو بنده کوچک و بزرگ سیاه و سفید باید پیروی از چنین پیشوای الهی نمایند و کسانیکه بخدای یکتا ایمان آورده اند بایستی امر نماینده او را با جان و دل بپذیرند و دستورات او را اجراء کنند و از رحمت خدا بدور است آنکه با علی بمخالفت برخیزد و رحمت خدا بر آن کسی است که از او پیروی نماید هر که ولایت او را تصدیق کند خداوند او را بیامرزد و همینطور مشمول رحمت الهی میگردد آنکه سخن او را می پذیرد و حرف شنوی دارد و اطاعت مینماید.

ای مردم: برای آخرین بار است که مرا در این اجتماع عظیم می بینید و من با شما سخن میگویم خوب گوش فرادهید تا آخرین برنامه تنظیم شده خدا را برای شما شرح دهم پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر پروردگار تسلیم و فرمانبردارباشید چه خداست که بر همه هستیها ولایت دارد و اوست پروردگار شما و فرمانده جهان هستی شما و من که فرستاده او هستم بسوی شما در زیر فرمان خدای متعال بر همه شما ولایت دارم و اکنون در میان شما ایستاده و شما را مخاطب قرار داده و با کمال صراحت اعلام میدارم: پس از من علی ولی شما و پیشوا و امام شما بامر پروردگار است و پس از علی امامت و رهبری جامعه مسلمین در ذریه من قرار داده شد تا روزیکه در پیشگاه خدای بزرگ با پیامبر اسلام در روز جزا دیدار کنید بدانید هیچ کاری سزاوار و شایسته نیست مگر آنچه خدا آن کار را گذرا و حلال بداند و چیزی حرام نمی باشد مگر آنچه خدا آن را حرام کرده باشد خداست که مرا بحلال و حرام آشنا نموده و من شما را بآنچه خداوند تعلیم فرموده و در کتاب آسمانی آمده و حلال و حرامی که معین گردیده راهنمائی میکنم و مردم: علم و دانشی که بشر نیازمند بآن است همه را خدای متعال بمن آموخته و من آن علوم را فراگرفته ام و هرچه ازعلوم بیاد دارم همه را در صفحه روشن پیشوائی و امامت ثبت و ضبط نموده وعلمی نمانده است که من با بینشی کامل آنرا

بعلی نیاموخته باشم بنابراین علی است پیشوای بزرگ شما که همه علوم را بمدد پروردگار فرا گرفته و در بینشها بر همه برتری یافته است.

ای مردم: از علی جدا نشوید و از او دوری نجوئید و هرگز از ولایت و حکومت او سر باز نزنید زیرا اوست که میتواند شما را بحق رهبری کند و خود بحق عمل نماید و باطل را نابود سازد و از هرچه باطل است مردم را بازدارد علی است که در راه رضای خدا از هیچ سرزنشی باک ندارد، اوست اولین کسی که بخدا و رسول خدا ایمان آورده و جان عزیز خویش را فدای فرستاده خدا نموده است او با پیامبر همکاری و عبادت مینمود و هیچکس در آنموقع جز علی از مردان بکمک پیامبر برنخواست و با او بعبادت نپرداخت.

مردم: علی را در سطحی عالی از فضیلت قرار دهید چون خدا او را بر دیگران برتری داده و او را بولایت و امارت بپذیرید زیرا پروردگار او را منصوب نموده است.

مردم: او پیشوای الهی است و هرگز خداوند توبه کسی را نمی پذیرد که ولایت او را انکار کند و هرگز چنین کسی که علی را قبول نداشته باشد مورد مغفرت پروردگار قرار نمیگیرد و این مطلبی است که خداوند آن را بر خود لازم فرموده چه اینگونه مردم از خدا بی خبر با مخالفت علی امر خدا را مخالفت نموده و او را کوچک شمرده اند بنابراین دچار عذاب دردناکی برای همیشه در دنیا و آخرت میباشند پس بترسید ای انسانهائیکه بخدا ایمان آورده اید از اینکه مخالف امر نماینده الهی رفتار کنید و در نتیجه گرفتار آتش سوزانی که آتش افروز آن انسانها و سنگهای بیجان فریبای جهان باشند و این آتشگاه برای مردمی که کفران نعمت پروردگار مینمایند مهیا گردیده است.

مردم: بخدا سوگند همه انبیاء و رسولان الهی بدنیای بشریت

بشارت رسالت مرا داده‌اند و من آخرین رسول الهی هستم و بزرگترین حجت پروردگار برتمام عوالم علوی وسفلی آسمان وزمین میباشم بنابراین اگر کسی در رسالت من تردیدی کند مانند کفار جاهلیت از نعمت ایمان به پروردگار محروم است و هرکه در گفته من شک کند نسبت برسالت و نبوت پیامبران گذشته تردید نموده و در آتش غضب پروردگار میسوزد.

مردم: باریتعالی بمن این نعمت بزرگ را عنایت فرموده و این احسان و عطیه‌ای است که از پیشگاه رب العزة به پیامبر خود مرحمت شده است و اوست خدائی که جز او خدائی نیست و همه نسبت به او هیچ و سایه‌ای هستند که در پرتو نیروی او نمودی دارند پس حمد و ستایش من همیشه برای اوست و در تمام آنات ولحظات در هر حالی سپاس بیکران خود را نثار او مینمایم.

مردم: علی راازهمه برترو بالا تر بشناسیدز یرادردرجه او بعداز من از زن ومردافضل ازاوکسی نیست مکتب رسالت وتربیت ماست که خداوند انسانها را در جنبه انسانیت روزی عنایت میکند و بحیاة انسانی آنها ادامه میدهد از رحمت خدا بدورست و بغضب الهی مشمول است آنکس که گفتار مرا ردّ کند برخلاف گفته من سخن گوید: آگاه باشید این گفته خداست که بوسیله جبرائیل این وحی الهی بمن رسیده و اوست که میگوید: هرکس با علی دشمنی دارد و او را بولایت نپذیرد و بحکومت او تن ندهد لعنت و غضب من شامل اوست و هرکس باید منتظر باشد آنچه را که خود تهیه نموده و در زندگی خویش کاشته در آخرت بدان برسد و پاداش کردار خود را دریابد و در همه حال خدا را درنظر گیرید و بترسید از اینکه او را مخالفت کنید مبادا لغزشی بر شما دست دهد پس از اینکه شما در ایمان خود ثبات و قراری داشتند بدانید خداوند کردار و اندیشه‌های شما را میداند و شناسائی میکند.

«یا حسرتی علی مافرطت فی جنب الله»

مردم: از علی در کتاب خدا بجنب الله یاد شده:

مردم: قرآن کتاب الهی است که باید آنرا بررسی کنید و تدبر و تأملی در آیات آن نموده تا حقائقی را درک کنید متوجه باشید محکمات قرآن را با کمال دقت فراگیرید دستورالعمل زندگی خود قرار دهید و متشابهات کتاب را که درخور فهم عموم نیست بکسانیکه خدا آنها را برگزیده است واگذار نمائید و خود در این باره سخنی نگوئید بخدا سوگند که هیچکس نمیتواند قرآن را بحق تفسیر کند و از اوامر و نواهی آن آنچه باید درک نماید و بیان کند مگر آنکسیکه از من است و بازوی او را گرفته ام و بازوی او را بلند نموده تا همه حضار او را ببینند و سخنان مرا خوب بشنوند و با یکدنیا بلاغت و فصاحت اعلام داشت: مردم هرکه من مولای او یم و حکومت الهی مرا پذیرفته است این علی که او را می بینید و می شناسید مولا و حاکم او میباشد و علی بن ابیطالب برادر من و وصی من است و این حکومتی که بدو میسپارم ولایتی است که خداوند باو عنایت فرموده و مرا مأمور ابلاغ حکم خود فرموده است.

مردم: علی و فرزندان معصومش که همه از ذریه من میباشند ثقل اصغر، و قرآن ثقل اکبر میباشد و هر یک دیگری را اثبات میکند و بدو گواهی میدهند و هیچگونه بین ایندو مفارقتی پیدا نمیشود نه قرآن بدون اهل بیت نه ائمه طاهرین بدون قرآن میتوانند بشر را اداره کنند اینها امناء وحی الهی در میان خلق خدایند و حکماء ربانی در روی زمین میباشند آگاه باشید من حقوق آنها را اداء کردم بهوش باشید من امرخدارا ابلاغ نمودم توجه کنیدمن آنچه بایدبعرض شمابرسانم رساندم دقت نمائید حقیقت را برای شما روشن کردم بدانید خداوند اوامر خود را صادر نمود و منهم بنوبه خود اعلام داشتم که آنچه میگویم دستور

الهی است وهیچکس بلقب«امیرالمؤمنین»شناخته نشده مگر براد من که چشمهای شما بدو دوخته شده است و پس از منهم نباید بکسی این لقب داده شود.

سپس پیامبر اکرم بازوی علی را گرفت و او را بلند نمود تا حدیکه پای امیرالمؤمنین تا زانوی رسول الله رسید و همه حضار او ر دیدندو بر او نظاره نمودند آنگاه رسول اسلام لب بسخن گشود و مطالب را دنبال کرد و فرمود:

مردم این علی برادر من و وصی و حافظ علم و جانشین من در امت اسلام است و بجای من حکومت میکند و قرآن را تفسیر مینماید و مردم را بسوی خدا دعوت میکند این علی است که بآنچه مورد رضای خداست عمل مینماید و با دشمنان خدا بجنگ میپردازد و با مؤمنین دوست است و بر معصیتکاران سخت میگیرد و آنها را از گناه بازمیدارد. علی است جانشین رسول و امیرمؤمنان و پیشوای هدایت پیشه گان و اوست که با ناکثین و قاسطین و مارقین مردمیکه امر خدا را فراموش کرده و بکفر گرائیده اند بامر خدا می جنگد. من بامر خدا گفته خدا را هرگز تغییر و تبدیل نمیدهم و آنچه خدا گفته بشما ابلاغ مینمایم و با کمال صراحت میگویم: بارخدایا دوست بدار آنکه علی را دوست میدارد و دشمن بدار آنکه او را دشمن میدارد و از رحمت خود دور بدار آنکه او را انکار مینماید و غضب خود را بر کسانیکه حق او را غصب مینمایند روا دار ــ پروردگارا تو در کتاب خودت که بر من نازل فرمودی امامت را از آن علی بیان کردی و او را باین منصب پرافتخار برگزیدی و باین انتخاب ارزش اکمال دین اسلام را برای بندگان خود ظاهر ساختی و نعمت را بر آنها تمام نمودی و باقاطعیت هرچه بیشتراعلام کردمن اسلام رابرای آنهادینی کامل و تمام پسندیده و برگزیده ام و سپس فرمودی: «و هرکه غیر از

دین اسلام دینی را بپذیرد هرگز در پیشگاه خدا پذیرفته نیست و در آخرت دچار خسران و زیان غیرقابل جبران است بارخدایا من تو را گواه میگیرم که امر و فرمان تو را باین مردم با کمال وضوح ابلاغ نمودم.

مردم: خدای متعال دین اسلام را با امامت علی علیه‌السلام کامل نمود و آنکس که با مامت علی و کسانیکه قائم‌مقام او از اولاد من تا روز قیامت هستند ایمان نیاورد و مراتب ایمان خود را در روز حشر عرضه به پروردگار نکند پس آنها کسانی هستند اعمال خود را بیهوده انجام داده و در آتش غضب الهی برای همیشه جای دارند وهیچ گونه تخفیفی برای آنها در عذاب نخواهد بود و بهیچوجه بدانها مهلتی داده نمیشود.

مردم: این علی که دست او در دست من است از همه شماها بیشتر مرا یاری نمود و بیشتر از همه شما بمن حق دارد و از تمام افراد بمن نزدیکتر است و در نزد من از همه عزیزتر و گرامی تر میباشد و خدای بزرگ و من که پیامبر او هستم از علی کمال رضایت رادار یم و هیچ آیه‌ای در این باب نازل نشده مگر آنکه علی را شامل گردیده و تمام آیاتی که با جمله «الذین آمنوا» شروع شده علی فرد شاخص و مطلق منحصر بفرد و اکمل آن است و در قرآن هرگاه مدحی از مؤمنین شده است نخست علی را فراگرفته و او مورد مدح بوده است و در سورهٔ «هل اتی علی الانسان» خداوند بهشت را برای او فقط تضمین نموده و این سوره دیگری را شامل نمیگردد تنها در شأن علی است که برای رضای خدا مسکین ــ اسیر ــ یتیم را تنها غذای خود را بآنها اختصاص میدهد و خداوند «جزاءً بما صبروا» درمقابل این گذشت و و صبر بردباری گرسنگی در راه خواسته حق خدا چنین مقامی را باو عطا میفرماید و هرگز دیگری را اینگونه مدح نمی نماید.

مردم: علی مدد کار دین خدا و مدافع از رسول خداست که برای رضای او با دشمنان پیامبر بجدال میپرداخت و او با تقوائیست که از همه آلودگیها پاک و منزه و خود هدایت شده و دیگران را نیز رهنمایی مینماید بدانید ای گروه که پیامبر شما بهترین پیامبران و وصی پیامبر شما بهترین اوصیاء میباشد.

مردم: آگاه باشید ذریه و فرزندان هر پیامبری از صلب اوست جز من که ذریه من از صلب علی است.

مردم: از خدا بترسید چه شیطان آدم را از بهشت بیرون آورد بواسطه حسد و این سلاح برّنده شیطان است که برای مردم خوب بکار میبرد پس شما بعلی حسد نبرید وگرنه همهٔ اعمال نیک شما از بین میرود و دچار لغزشهای گوناگون میشوید بدانید آدم علیه‌السلام هبوط کرد بواسطه یک خطائیکه از او سر زد و حال آنکه او برگزیدهٔ خدا بود مقامی شامخ داشت چه رسد بشما با اینهمه آلودگیها. مردم بشما میگویم خود شما متوجه باشید بندگان خدا بهوش آئید هیچکس دشمن نمیدارد علی را مگر آنکه شقی و بدبخت باشد و هیچ انسانی حکومت علی را نمی‌پذیرد مگر آنکه در مکتب توحید درس خداشناسی و تقوی را دیده باشد و هیچ مؤمنی باو ایمان نمی‌آورد مگر آنکه در ایمان خود بسرحد اخلاص رسیده باشد بخدا سوگند سوره والعصر درباره علی نازل گردیده همه مردم در زیان کاری و خسرانند مگر کسانیکه ایمان آورند و طبق برنامه امیرالمؤمنین رفتار و گفتار کردار خود را براساس اسلام قرار دهند.

مردم: من خدا را گواه میگیرم که رسالت خود را انجام داده و بوظیفه خویش عمل نموده‌ام و بر پیامبر خداست که بصورتی روشن پیام حق را به بندگان خدا برساند و من رساندم.

مردم: بیاد بیاورید کلام خدا را که فرمود «بترسید از خدای بزرگ آنگونه که باید از مخالفت اوامر او و ارتکاب بنواهی پرهیز

نـمـائید و مواظب باشید که جان ندهید مگر آنکه اسلام بمعنای واقعی را درک کرده و پذیرفته باشید» سپس رسول اکرم(ص) با استفاده از فرازهائی از آیاتی چند بمردم اعلام نمود، که بخدا و پیامبر او و نوری که با اوست و حقائق را جلوه گر میسازد ایمان بیاور ید پیش از آنکه دچار عذاب الهی گردید و نعمتهائی که بشما ارزانی گردیده از شما گرفته شود و چهره شما عوض گردد و روح انسانی شما هلاک شود من بشما اعلام میکنم نور الهی در من تابیده و از من بعلی و از او باولاد او تا بامام قائم مهدی منشعب گردیده است و مهدی است که حق خدا را میگیرد و حقوق تضییع شده ما را در یافت مینماید.

مردم: من شما را آگاهی میدهم و میترسانم باینراه خطرناکی که در پیش دار ید من رسول خدایم و پیش از من رسولانی آمده اند رفته اند آیا اگر من بمیرم و یا کشته شوم شما بروش پست وناهنجار گذشتگان خودتان برمیگردید و بهمان زشتیها میپرداز ید آگاه باشید کسانیکه بعقب برگردند و اسلام را نادیده انگارند ضرری باسلام نمیزنند و خدای تعالی بی نیاز است و چه زود پاداش مردم شکرگزار را میدهد و آگاه باشید علی دارای صفت صبر و شکر است و پس از او اولاد من که از صلب علی میباشند این کرامتهای اخلاقی را دارند.

مردم: بر خدا منت نگذار ید که اسلام آورده اید چه خدا در کمینگاه شماست و شما را در مقابل این کفران نعمت غضب میکند و بر شما عذابی ناگوار از ناحیه منعم علی الاطلاق میرسد.

مردم: روا است که پس از مرگ من پیشوایانی، زمام امور را بدست گیرند که شما را بمبارزه با حق و آتش افروزی دعوت کنند و شما در روز قیامت برای فرار از جهنمی که افروخته اید یاری نشو ید.

مردم: خدا و رسول خدا از چنین گروهی بیزارند.

مردم: ایندسته و یاران آنها و پیروان آنها و کسانیکه در خط

آنها کار میکنند در سخت‌ترین نقاط جهنم منزل دارند و چه قدر بد جایگاهی را متکبرین دارند اینها اصحاب صحیفه میباشند پس هر کس باید در صحیفه اعمال خود بنگرد تا خود را شناسائی کند که از چه گروهی میباشد مردم جز دسته کمی بدنبال سخن رسول اسلام در باره صحیفه جستجو میکردند پیامبر فرمود: من صحیفه را امانت در نزد اعقاب خود تا روز قیامت نهاده‌ام ولی آنچه قابل انکار نیست آنچه باید تبلیغ کنم ابلاغ نموده‌ام تا حجت بر همه کس از حاضر و غائب تمام شود و همه از کسانیکه حضور دارند و یا بعد از این حاضرین را دزک میکنندو مطلب را دانستند و امر خدا بآنها رسید پدران به پسران بگویند حاضرین بغائبین برسانند و این وظیفه بزرگ همه مردم و مسلمانان است که تا روز قیامت پیام الهی را که من بشما رسانده‌ام بدیگران برسانید و همه و همه‌ها و کوچک و بزرگ بامر الهی برسند.

ولی بسیار زود امامت را از مقام قدس معنویتی که دارد پائین میآورند و حکومتی مادی که بزور سرنیزه و تهدید و تطمیع آنرا غصب نموده‌اند تشکیل میدهند آگاه باشید چنین مردم غاصبی مورد لعنت خدا هستند و چیزی نمیگذرد که بحساب جن و انس میرسیم و همه انسانهائی که بناحق حکومت را بدست گرفته و یا خلاف بناحق را پذیرفته‌اند در تمام ادوار حیاة مورد بررسی و حساب‌رسی قرار داده و در نتیجه انحراف مسیری که پیدا کرده‌اند بر سر و روی آنها مسهای گداخته شده و آتشبارهای خانمانسوز ریخته میشود و هرچه فریاد میزنند کسی آنها را یاری نمی نماید.

مردم: خداوند برای همیشه شما را رها ننموده بلکه شما را مهلت داده است تا هرچه میخواهید انجام دهید تا خوب و بد از هم جدا شوند و همه خود را شناسائی کنند و روی همین اساس پرده‌ای بر روی کار کشیده تا کسی از دیگری آگاهی پیدا ننماید و هرچه

میخواهید انجام دهید و به نتیجه عمل خود برسید.

مردم: هیچ قصر و کاخی واژگون نمیگردد مگر آنکه خداوند آنخانه را دگرگون میسازد چون تکذیب خدا نمودند بیراهه راه پیمودند و همچنین آبادیها و کشورهای بزرگ و کوچک در اثر ستمگری و طغیان مورد غضب الهی قرار میگیرند و با دست نیرومند الهی بخاک یکسان میگردند چه مشیت الهی بر این قرار گرفته که نخست پیامبر و امامی برای هدایت قومی میفرستد و چون جمعیت در حق او ظلم روا میدارند پروردگار آن قوم را هلاک مینماید و علی علیه السلام امام شما و حاکم بر شماست اگر برخلاف دستور الهی با او مخالفت کنید وعده انجام میشود و سرانجام بسیه روزی و بدبختی و هلاکت مبتلا میشوید.

مردم: خداوند مرا بامر و نهی خود آگاه فرموده و منهم اوامر و نواهی پروردگار را بعلی سپردم و او را مأمور کرده‌ام و علی از دستورات الهی آگاه است بنابراین امر علی را بپذیرید تا در روش خود سلامت باشید و اطاعت از دستورات او کنید تا هدایت شوید و هرچه نهی میکنید قبول نمائید تا بحق ارشاد شوید و هرچه او میخواهد انجام دهید و هدف او را مقصد خود قرار دهید مبادا راههای گوناگون شما را از راه علی دور سازد و منحرف شوید.

مردم: من راه مستقیم الهی هستم که خداوند انسانها را امر نموده که این راه را به‌پیمایند و بمقصد برسند و علی پس از من این خط را دنبال بکند و پس از او هم اولاد من که از صلب علی هستند دنبال‌رو این مکتب میباشند اینها امامانی هستند که مردم را بحق آشنا میسازند و بحق از غیر حق دوری میجویند سپس سوره حمد را تلاوت نمود و فرمود خدای متعال این سوره را در باره من و ائمه طاهرین نازل فرموده و همه مردم بطور عموم و پیشوایان بطور خصوص

باید در این قسمت توجه نمایند تا امر خدا اجراء گردد و مردم براه حق آشنا شوند اینها اولیاء خدا هستند که در راه خدا از هیچ چیز نمیترسند و بهیچوجه در راه محبوب از ناملایمات محزون نمیگردند. آگاه باشید مردانی که در حزب خدایند برای خدا کار میکنند اینها بر همه شیطان‌صفتان غلبه پیدا میکنند و کسانیکه دشمن علی هستند مردمی بدبخت و ستمکار میباشند و برادران شیطان‌صفت که بدیها و زشتیهای دنیای مادی را با الفاظی فریبا بیکدیگر یاد میدهند همه در صف دشمنان حق و علی میباشند و کسانیکه با ایندسته همکاری میکنند و خود را بنام مؤمن در جمعیتها وارد میسازند مشمول آیه کریمه: لا تجد قوماً یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادالله و رسوله ولوکانوا آبائهم اوامائهم اواخوانهم اوعشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضواعنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون. پیامبر من هرگز مؤمنی را نمی بینی که بخدا و روز جزا ایمان آورده باشد. ولی با دشمن خدا و رسول او طرح دوستی نریزد و آنها را یاری کند هرچند دشمنان خدا فرزندان و پدران و برادران و از عشیره او باشند چه خداوند در دل مردان با ایمان روحی قوی و نیروئی شکست ناپذیر قرار داده که بهیچ وجه تحت تأثیر عوامل ضدانسانی قرار نمیگیرد و بهمین جهت در دنیا و آخرت زندگی سراسر نشاط و موفقیتی را طی میکند و در بهشت برین جای میگیرند خداوند از آنها راضی میباشد و آنها نیز بمقدرات پروردگار دلخوش هستند ایندسته را حزب الله مینامند و آگاه باشید چنین مردمی که برای خدا زندگی میکنند و بدستورات الهی روزگار میگذرانند رستگارانند و باز پیامبر اسلام مطلب را دنبال مینماید و مؤمن را با صورتی روشن که خدای متعال در قرآن کریم توصیف فرموده بیان میکند: الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون: اولیاء خدا و

مردان باایمان کسانی هستند که ایمان خود را با تجاوز بحقوق اسلام و دیگران آلوده ننموده و رنگی ناشایست بایمان خود نداده‌اند و از پیش خود سخنی نگفته‌اند اینها مردمی هستند که در سنگر شکست ناپذیر الهی از همه بدیها و زشتیها مصون می باشندودرمکتب اسلام آموزش دیده و هدایت شده و مکتب را پذیرفته اند آگاه باشید اولیاء مردم خداپرست باتقوی کسانی هستند که در بهشت وارد میشوند و از هرگونه گزندی ایمن هستند و ملائکه با آنها رو برو میگردند و سلام و خوش آمد بآنها میگو یند و با کمال احترام آنها را برای همیشه داخل بهشت مینمایند. آگاه باشید: دوستان مردان خدا مؤمنینی هستند که خداوند در قرآن در باره آنها میفرماید «یدخلون الجنة بغیرحساب» در بهشت بدون حساب وارد میشوند ز یرا خود حساب خو یش را قبلاً رسیده‌اند. بدانید مردمی که دشمن اهل بیت میباشند بآتش سوزاننده‌ای میسوزند. آگاه باشید دشمنان این خاندان دسته‌ای هستند که صدای شعله های آتش جهنم را میشنوند که زبانه می کشد و چون بدسته‌ای تازه برمیخورند گناه را بگردن دیگری میاندازند بر آن نفر ین روا میدارند. آگاه باشید دشمنان اولیاء خدا کسانی هستند که در باره آنها قرآن میگو ید «کلما القی فیها فوج سالهم خز یتها الم یأتکم نذیر» هر گروهی را که در آتش جهنم می بینند آتش بان. بآنها میگو ید مگر برای شما ترساننده‌ای خدا نفرستاد که شما را از آتش جهنم ترساند آری اولیاء خدا مردمی که خدای را باور داشته و بخدای نادیده ایمان آورده و سزاوار مغفرت پروردگار و پاداش بزرگی شده‌اند.

مردم: چه‌قدر بین آتش جهنم و نعیم بهشت فرق است دشمنان ما را خداوند مذلت فرموده و از رحمت خود دور ساخته و

دوستان ما را مدح گفته و مورد محبت قرار داده است.

مردم: من پیامبر هستم و شما را از مخالفت با امر خدا میترسانم و علی شما را بامر خدا هدایت میکند.

مردم: بدانید من نبی هستم و علی وصی و جانشین من میباشد و آگاه باشید خاتم ائمه طاهر ین قائم آل محمد مهدی ـ صلوات الله علیه است ـ که:

دین خدا را ظاهر میکند و حکومت الهی تشکیل میدهد و بر همه ادیان غالب میگردد.

انتقام از ستمکاران میکشد.

قصر استعمارگران را فتح مینماید و کاخ ظلم آنها را واژگون میسازد.

مشرکین و منافقین قبائل را بسزای اعمال زشت خود میرساند.

داد مظلومان و اولیاء خدا را که بناحق شهید شده‌اند از ظالمین میگیرد.

دین خدا را یاری مینماید و احکام و دستورات اسلام را اجراء میکند.

مشتی از آب بیکران در یای عمیق الهی است.

هر دانشمندی را بپایه دانش او نام گزاری میکند.

هر نادانی را در سهم خود بنادانی معرفی مینماید.

برگز یده خدا و منتخب پرورد گار است.

وارث علوم و محیط برداشتهای روز میباشد.

از پرورد گار خود خبر میدهد و بواسطه ایمان خو یش آگاهی پیدا میکند.

رشیدی است که همه گفتار و کردارش از طرف خداوند تایید شده است.

حکومت بر او تفو یض گردیده است.

کسانیکه از اولیاء خدا بوده و گذشته‌اند بشارت او را بجهان

حجت باقی خداست و پس از او دیگر حجتی نمی اید و حق با اوست
نوری است که تنها در جبین او بودیعت نهاده شده.
هیچکس بر او غلبه پیدا نمیکند و بر ضد او نصرت نمیشود.
ولی خدا در روی زمین است و در بین خلق خدا حکومت
مینماید. امین پروردگار در آشکارا و پنهان میباشد.

مردم: من آنچه باید برای شما شرح دادم و با زبانی گویا مطالب را رساندم و علی پس از من آنچه باید برای شما بیان میکند.

آگاه باشید پس از تمامی خطبه همه شما را دعوت میکنم که با من آشکارا دست دهید و بامامت علی که دستور داده‌ام بیعت کنید سپس دست علی را گرفته و با او بهمین نحو بیعت نمائید آگاه باشید من با خدا بیعت نمودم و علی با من بیعت کرد و من از شما حضار محترم میخواهم که بامر خدا با علی بیعت نمائید و آنکس که بیعت را نقض کند زیانی جبران ناپذیر بخود وارد آورده همانطور که خدا فرمود «و من ثکث فانما ینکث علی نفسه».

مردم: صفا و مروه از شعائر الهی که انسان مسلمان باید در سعی خود شعار بندگی و عبودیت دهد و هرکس بزیارت خانه خدا رود یا عمره بجا آورد کار پرارزشی انجام داده است و بدانید هیچ خاندانی ناتوان بسوی خانه خدا نمیروند مگر آنکه توانا و بی نیاز میگردند و هیچکس از خانه خدا رو نمیگرداند مگر آنکه دچار فقر و تنگدستی میگردد و هیچ مؤمنی در موقف توقف نمی نماید مگر آنکه خدا گناهان گذشته او را میامرزد و چون از حج فارغ گردید دوباره دفتر اعمال او بازمیگردد و زشت و زیبا ثبت میشود حجاج خانه خدا مورد عنایت قرار گرفته و زحماتشان و مصارفشان همه بحساب میآید و پاسخ داده میشود چه خدای بزرگ هرگز اجر و پاداش نیکوکاران را از یاد نمیبرد بنابراین مسلمانها باید با بصیرت کامل و آموزشی که آنها را بسرحد کمال برساند حج خانه خدا کنند و در مشاهد مشرفه از گناهان

خود توبه نموده و دل از دنیا بر کنند و بخدا به‌پیوندند.

مردم: نماز را بر پا دارید و زکوة را ادا کنید و مأموریت خود را در اوامر الهی اجراء نمائید و اگر زمان گذشت شما در فرا گرفتن احکام کوتاهی نمودید و یا فراموش کردید علی علیه السلام ولی امر خدا بر شماست و بیانگر دستورات الهی پس از من است و هر که را خداوند بوسیله من و او شما معرفی کند جواب مسائل شما را خواهد داد و بیان میکند برای شما حلال و حرام خدا را از آنچه نمیدانید آگاه باشید حلال و حرام خدا زیاد است ونمیتوان یک جا آنها را شماره کرد و نشان داد ولی بطور کلی وجامع برای شما در این حال بیان کردم من مأموریت پیدا کردم علی را معرفی کنم و برای او بیعت بگیرم و با دستی که شما دادید قبولی خود را اعلام نمودید که ما امر خدا را در باره علی امیرالمؤمنین و ائمه بعد از او پذیرفتیم پس هرچه آنها برای ما بیان کنند همان حلال و حرامی است که خدا معین فرموده چه پیشوایان پس از علی از فرزندان من و از صلب علی میباشند و آخرین آنها که در جهان حکومت بحق بر پا مینماید مهدی است.

مردم: حلالی را که خدا معین فرموده بود بیان کردم و حرامی را که دستور داده بود من شما را از آن نهی کردم و هیچگاه من از آنچه خدا گفته تجاوز ننموده و تبدیلی نکرده‌ام آگاه باشید و بیاد خود بسپارید که گفته من گفته خداست و این دستورات همه و همه از خداست پس باید در حفظ آنها کوشا بوده و بدیگران توصیه کنید که آنها را حفظ و اجراء کنند و هرگز کوچکترین تغییر در آنها روا مدارید و تبدیلی بهیچ صورتی در احکام الهی ندهید و من پیوسته گفتار خدا را تجدید میکنم. بهوش باشید نماز را اقامه کنید و زکوة را بپردازید و امر بمعروف و نهی ازمنکر که نظام الهی را تضمین میکند اجراء نمائید و بدانید بزرگترین اصلی که حافظ اساس امر بمعروف و نهی ازمنکر و بقاء دین الهی است این است هرچه میگوئید و هر عملی انجام

میدهید گفتار و کردار خود رامنتسب بمن بنمائید و سرچشمه و مبع تمام امور را مقام رسالت قرار دهید و کسانیکه در محضر ما شرکت ندارند آنها را بحقائق آشنا نموده و امر بمعروف و نهی از منکر را درباره آنها معمول دارید چه ایندستور تغییرناپذیر خداست و من هم بر طبق فرمان الهی دستور داده‌ام که رفتار شود و امر بمعروف و نهی از منکر وقتی بصورت جدی و واقعی صورت میگیرد که با امام معصوم باشد و اگر حکومت در دست معصوم قرار نگیرد امکان تغییر و تبدیل زیاد است.

مردم: قرآن کریم شما را بائمه و پیشوایان الهی پس از علی راهنمائی میکند و آنها را با بیانی محکم و غیرقابل انکار بهمه معرفی مینماید و من هم مکرراً بشما اعلام نمودم که ائمه از من و علی هستند و کتاب خدا میگوید «جعلها کلمة باقیة فی عقبه» امامت حجة بالغه الهی است که در اعقاب علی و پیامبر همیشه برقرار و مستدام است و باز من تذکر دادم که اگر بکتاب خدا و عترت من دست زنید و تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد و بهدف عالی انسانی خواهید رسید.

مردم: تقوی را پیشه خود سازید و با تقوی کار خود را شروع و ادامه دهید بترسید از روز قیامت و حساب‌رسی پروردگار چه خدای بزرگ میگوید «ان زلزلة الساعة شیء عظیم» چون قیامت بر پا شود آنچنان تحرک و زلزله‌ای درموجودات پیدا میشود که هستی را بحرکت درمیآورد انسانها بیدار شوید و یاد مرگ باشید و روز حساب و زمان سنجش را درنظر گیرید و بدانید حساب شما را در محضر پروردگار رسیدگی و پاداش و جزاء میدهند هرکس نیکی کند ثواب را میگیرد و آنکس که بدی نماید و گناه کند در بهشت برای او نصیبی نخواهد بود.

مردم: پروردگار من مرا مأمور نموده علاوه بر اینکه از شما بیعت بگیرم و دست شما را بعنوان بیعت بفشرم باز باید شما بزبان فصیح خود اقرار کنید که علی امیرالمؤمنین است و پس از او ائمه از من و از پیشوایان شما هستند و همه گواهی دهید که بشما اعلام نمودم ذریه من از صلب علی است. پس همه با من هم صدا شوید و بگوئید: ما شنیدیم مطیعیم راضی هستیم پیروی میکنیم از آنچه امر پروردگار را درباره علی و بچه های او که ذریه شما هستند بما تبلیغ نمودی و ما با جان و دل با تو بیعت میکنیم و زبان ما و قدرت ما و روش ما همه و همه باین بیعت که خواست خداست گواهی میدهند و امیدواریم با این ایمان زندگی کنیم و با این اعتقاد و روی همین اساس در روز رستاخیز محشور شویم و هیچگونه تغییری و تبدیلی نداده و شک تردیدی برای ما دست ندهد و روی عهد خود بایستیم و پیمان خود را با علی بهیچ صورتی نشکنیم و در این راه خدا را اطاعت کنیم و شما را فرمان بریم و از دستورات علی و سائر ائمه که شما نامبرده اید و ذریه شما از نسل علی هستند پیروی کنیم و مردم:

پس از حسن و حسین که شما میدانید آن دو بزرگوار در نظر من و در پیشگاه پروردگار چه منزلت عالی و مقامی رفیع دارند و من بخصوص سخنانی که حاکی از عظمت و مقام دو فرزندم حسن و حسین بود برای شما شرح دادم و گفتم این دو بزرگوارانی هستند که در میان بهشتیان مقام سیادت را دارا میباشند و هر دو پیشوایان معصومی هستند که پس از امیرالمؤمنین علیه السلام باید حکومت را بدست گیرند همانطور که پدر آنها علی پس از من امام بر شما بود و پس از آنها هم ائمه یکی پس از دیگری امام و پیشوا هستند.
مردم: همه بگوئید ما فرمان خدا را در سپردن حکومت بمعصوم و پیشوائی شما و علی، و حسن و حسین و ائمه ای که پیغمبر

خدا یاد کرده است بجان و دل می پذیریم و بدان عهد می بندیم و قرارداد امضاء میکنیم و این معاهده و بیعت را که از جان و دل بسته ایم. بزبان اقرارنموده و بامصافحه و گرفتن دست تاییدوتاکید مینماییم و هرکس این میثاق و عهدنامه در یافت نمودو بزبان برطبق آن اقرار کرد هرگز درمقابل آن قراردادی دیگر امضاء نخواهد نمود و در بین ما و فرزندان ما و عشیره ما غیر از این عهدی نخواهیم بست و خدا را بر این مطلب گواه میگیریم و همچنین ملائکه مقربین و جنود خدا و بندگان خدا را شاهد گرفته و خدا خود شاهد میباشد و گواهی او از همه بالا تر و والا تر است.

مردم: چه میگوئید؟ خدا هر صدائی را میشنود و هر نجوائی را گوش میدهد و از افکار درون انسان آگاه است و بدانید هرکه آموزش ببیند و هدایت الهی را بپذیرد بخود خدمتی بزرگ انجام داده و آنکس که مدرسه را پشت پا زند و بیراهه رود بخود ستم نموده و بدبختی و سیه روزی را برای خود خواسته است و آگاه باشید آنکس که بیعت میکند با خدا بیعت نموده (یدالله فوق ایدیهم) دست خدا بالای همه دستهاست و نیروی او برتری بر نیروی جهان هستی دارد.

مردم: بترسید از خدا و بیعت کنید با علی و حسن و حسین و الائمة این است حکمة باقیه ای که درصفحه گیتی نقش بسته است خداوند هلاک میکند کسانیکه خیانت کنند و مورد رحمت قرار میدهد آنهائیکه بعهد خود وفا می نمایند، و هرکس عهدشکنی کند بخود خیانت نموده است.

مردم: بگوئید آنچه من گفته ام و بر علی بعنوان امیرالمؤمنین سلام کنید، و بگوئید. شنیدیم ما و اطاعت کردیم آنچه بر ما گذشت فرمودی و بسوی توست مصیرها و بازهم تکرار کنید: سپاس خدا را که ما را باین مکتب آموزنده هدایت نمود و اگر خدای بزرگ ما را رهنمائی نمیکرد هرگز ما نمیتوانستیم اینگونه آموزش ببینیم.

مردم: خداست که مزایای بی‌نظیرعلی را میداند و از حقیقت علی آگاه است و در قرآن کریم درموارد عدیده در باره او سخن گفته و با بیانی روشن که در همه سطوح بتوان از آن استفاده نمود و دشمن نتواند خدشه‌ای کند و اسلام را صدمه‌ای زند در آیات بسیاری ذکر کرده است پس هرکس از اهل ایمان در ذیل آیات سخنی بگوید و فضائل علی را از آیه استفاده کند او را تصدیق نمائید.

مردم: آنکس که اطاعت خدا و رسول خدا و ائمه طاهرین که نام آنها را یادآوری نمودم بنماید پس بتحقیق بسعادت رسیده و رستگار در دو جهان میباشد.

مردم: کسانیکه در بیعت و دوستی و فرمانبرداری ازعلی بیعت گیرند و او را بامارت مؤمنین بخوانند و حکومتش را به‌پذیرند رستگارانی هستند که در بهشت برین جای دارند.

مردم: آنچه خدا می پسندد بگوئید و آگاه باشید: اگر کفران نعمت کنید و همه مردم دنیا را بمبارزه با خدا دعوت نمائید هرگز زیانی بخدا نخواهد رسید پروردگارا مؤمنین را مورد مغفرت خودت قرار بده و کفار را مشمول غضب خویش فرما سپاس بیکران بر پروردگار جهانیان.

سخن رسول اسلام پایان یافت مردم فریاد برآوردند: ما شنیدیم و اطاعت امرخدا و رسول خدا را بجان و دل و زبان و دست پذیرفتیم و همه ازکوچک و بزرگ بسوی پیامبر اسلام و علی شتافتند تا بیعت خود را اعلام کنند دست آنها را بگیرند و مصافحه نمایند و اولی و دوم و سومی و چهارمی و پنجمی و بقیه ازمهاجرین انصار در صف بیعت کننده قرار داشتند و مردم دسته بدسته میرفتند بنو به خود تبریک و تهنیت میگفتند تا نمازمغرب وعشا را با هم انجام دادند و بیعت و مصافحه (دست‌بدست هم زدن) هرسه کار را بپایان رساندند و

چون گروهی میآمدند بیعت میکردند پیامبر میفرمود الحمدلله الذی فضلنا علی جمیع العالمین، آری با افتتاح مکتب تشیع انسانها میتوانند آموزش ببینند که بر دنیائی حکومت کنند و بر همه برتری جو یند ولی با کمال تاسف این بیعت و دست دادنها رسم و دیدنی شدند که نااهلان از آن استفاده نموده و مکتب را نگذاشتند آنطور که باید بکار خود ادامه دهد.

امیرالمؤمنین و خلافت

بنابر روایتی که در تفسیر برهان ج ۱۹ سوره نمل ذیل آیه ۶۲ آمده و ابن شهرآشوب و دیگران با اضافاتی آنرا یاد کرده‌اند و شیخ مفید در امالی بتفصیل ذکر میکند: عمران بن حصین میگو ید من و عمر بن خطاب در خدمت پیامبر اسلام بودیم که علی(ع) در کنار پیامبر جای داشت رسول محترم این آیه را تلاوت فرمود: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض أءلة مع الله قلیلاً ماتذکرون» ناگهان علی(ع) لرزه بر اندامش افتاد مانند گنجشگی که از آب بیرون آید با رنگ پر یده دست و پا میزد و بخود می پیچید پیامبر چون علی را بدینحال دید فرمود علی جان تو را چه میشود که اینگونه اضطراب و وحشت داری امیرالمؤمنین عرضه داشت یا رسول الله چگونه ناراحت نباشم در حالیکه خدا میگو ید ما خلفاء ارض هستیم و در روی زمین جانشینان الهی و حکومت بدست ما باید اداره شود رسول اسلام با کمال قاطعیت فرمود علی جان نگران مباش بخدا سوگند تو در مقام و منزلتی قرار داری که هیچکس تو را دوست نمیدارد دیگر اینکه مؤمن باشد و احدی تو را دشمن نمیگیرد مگر آنکه منافق باشد ــ تو میزان کامل کفر و ایمانی و نماینده حق و باطل میباشی ــ و اگر تو نبودی شناختن و امتیاز این دو گروه برای انسانها مشکل و محال بود آری این آیات که پشت سر هم در قرآن کر یم آمده

و در شش مورد یادآوری نموده و خداوند در پایان آیات بصورت استفهام انکار مواهب الهی از مادی و معنوی را برای انسان گناهی بزرگ تلقی نموده و با تعجب فراوان از این غفلتی که انسان در زندگی و حیاة انسانی خود دارد و خود را بدست خویش از مسیر انسانیت دور میدارد و بسرحد حیوانیت و درندگی میرساند تأسف میخورد و این آیات بر روی هم انسان را متوجه نعمت های بزرگ پروردگار که موجب رستگاری در حیاة مادی و معنوی بلکه حیاة انسانی بسته بآنهاست مینماید با کمال تأسف انسانی که اینگونه مورد رحمت و عنایت خالق خود بوده چگونه او را فراموش میکند و بدنبال هر موجود ضعیف و موجود خیالی میرود و بدون منطق و عقل از روش انسانی خود بازمی ماند و سرمایه خویش را تباه میسازد ولی انسان کمال یافته تربیت شده در مکتب توحید و اسلام که معلمی چون رسول گرامی دیده فوراً در مقابل گفته خدا بلرزه درمیآید و بخود می پیچد و ناله میزند که من در مقابل این مسئولیت خطیر چه کاری باید انجام دهم و چگونه وظیفه خود را میتوانم عمل کنم خداوند اینگونه نعمت داده که ما را خلفاء زمین قرار داده و بجهانیان اعلام مینماید که من در زمین جانشین و خلیفه ای قرار داده که حکومت الهی را تشکیل دهد و مردم را در هر زمان و هر مکان با خدا آشنا کند و بر خود میبالد که چنین نعمتی را باهل زمین عنایت نموده و در صف خلقت آسمان زمین مسئله خلافت را قرار داده و ارزش خلافت را آنقدر بالا برده که دست همه کس بدان نمیرسد که درک چنین نعمتی کنند چه عموماً مادی هستند با مادیات سر و کار دارند نمیدانند عالم بمعنی هستی بخش مادیات و نظم دهنده موجودات میباشد در مقابل آن ماده ارزشی ندارد چون وجودی نخواهد داشت لذا قرآن میگوید «قلیلاً ماتذکرون» بسیار اندک مردمی هستند که ارزش این

نعمت الهی را درک میکنند و در اجراء امر پروردگار که بسی مشکل و خطرناک است و علی میداند تا چه حد حکومت بر مردم و اجراء اوامرالهی دراجتماع بشری سخت وناهمواراست نگران میگرددمبادا کوچکترین مسامحه و سهل انگاری انجام پذیرد و حق ضعیفی پایمال شود و اسلام در اجتماع موقعیت خود را از دست دهد و کار بدست نااهلان افتد و قوانین الهی را مورد تأویل و تفسیر و توجیه قرار دهند و در نتیجه مشمول غضب الهی گردد و همه این خاطرات و صدها نظیر اینگونه رویدادها در دل علی آتش برافروخت که بر چهره زیبایش اثر گذاشت و نماینده الهی که علی را تربیت نموده و میشناخت و آشنای باو و احکام او بود فوراً مرهمی آرام‌بخش باو عنایت کرد و مدالی باو داد که تاروزقیامت براو وفرزندانش شیعیانش وکسانیکه درمکتب ارزنده تشیع درسهای آموزنده او را میاموزند بزرگترین و عالیترین افتخار را در بر دارد با کمال صراحت باو فرمود علی جان خدای بتو آنقدر عنایت فرموده که تو در سایه اطاعت از اوامر او و پیروی از دستورات الهی که بر طبق طبیعت صادر گردیده منزلتی بدست خواهی آورد که اگر جهانی با تورو برو شود عالم شکست میخورد امّا علی از راه خدائی دور نمیگردد و انحراف پیدا نمیکند و کسانیکه مکتب او را دنبال کنند بسهم خود از راه خدائی دور نمیگردندو انحراف پیدا نمیکند و کسانیکه مکتب او را دنبال کنند بسهم خود از موفقیتهای چشمگیری برخوردارند که دنیا در مقابل آنها کرنش میکند علی جان آسوده باش نه تنها تو کجروی نداری و نخواهی داشت بلکه آنچنان میزان عدل الهی هستی که بر نیک و بد و هر زشت و زیبائی با تو سنجیده میشود هر که بخواهد خود و دیگران را آزمایش کند بایستی خود را بتو عرضه بدارد و در حدیکه تو را دوست میدارد مؤمن است و در مرزیکه تو را دشمن میشناسد با خدا دشمن است.

الا ایـهـا الـمـامـول فـی کـل حـاجة
شکـوت الیـک الـضـرفـاسمـع شکـایتی
الا یـارجـائـی انـت کـاشـف کـربتی
فـهـب لـی ذنـوبـی کـلـهـا واقـض حاجتی
فـــرادی قـــلـــیـــل لا أراه مـــبـــلـــغـــاً
اللـــزادابـــکـــی ام لـــبـــعـــد مـــســافـــتـــی
اتـــیـــت بـــاعـــمـــالٍ قـــبـــاح ردیـــة
فـمـا فـی الـوری خلـق جـنـا کـجـنـایتی
اتـحـرقـنـی بـالـنـار یا غـایة المـنی
فـایـن رجـائـی مـنـک وایـن مـخافـتی
هـرکـس بـمـا بینی ز حـوادث بـرد پناه
مـائیـم و آسـتـان امـامـت زحـادثـات
روز یکـه مـشکـلـی و گـشاینـده‌ای نـبود
بـودی بود دسـت تـو حـلال بـمـشکـلات
چشـم امید بـر کـرم حـیـدر است و بـس
آمـدم کـه راه چاره شـود تـنـگ از جـهـات
افکـن بـمـرحـمـت نظری ای باب ذوالکرم
بر بنده‌ای کـه بـر تـو گـر یـزد ز سـانحات
شـهـادت امـام مـحـمـد تقی جوادالائمه ۲۹ ذی‌قعده ۶۱/۶/۲۷ حسن
حسن سعید

برنامه
کتابخانه مدرسه چهل ستون
مسجد جامع طهران

تدریس:

طلاب : شبانه روزی

دانشجویان: صبح وعصر صرف ونحو واخلاق

دانش‌پژوهان: عصرها پنجشنبه و همه روز ماه رمضان و دهه عاشورا عقائد با پلی‌کپی

تبلیغ :

صبحهای اعیاد ووفیات درمدرسه ورمضان و محرم در قراء وقصبات و ارسال کتاب بخارج ازکشور و جایزه باآزمایش بدانش پژوهان

انتشار کتب بزبانهای :

فارسی - عربی - انگلیسی - فرانسه - آلمانی - ترکی